



ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال دوم نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۶۷

دشواریهای تازه تثبیت جمهوری اسلامی

ما بقیه نشان داده است حکام جمهوری اسلامی علیرغم ژست های نرمش نا پذیر و یکدنگی های نشان در حفظ به اصلاح اصول ایدئولوژیک اسلام و سیاست های ملهم از مبنای فقهی، چنانچه در سنگتات فراگیرند به آسانی آمده اند ۱۸۰ درجه شغیر موضع بدهند و مصالح قدرت سیاسی و حفظ حکومت را پیش پای "رمانهای مقدس اسلام" قربانی کنند. با بیان رسوای ماجرای اشغال سفارتخانه "شیطان بزرگ" بعنوان سنبل آشتی نا پذیری اسلام علیه "کفرها" تنها نمونه ای از این مصالحه ها وزیر آبی رفتن ها در مسائل مربوط به اصول انقلاب اسلامی را بنمایش می گذارد.

از اسلام بوجهل ها تمیز دهد. اینبار بخاطر شدت افتضاح خمینی ورفسنجان، مرتباً در مقابل امت حزب الله، اینکار پذیرش قطعنامه "تنگین ۵۹۸" را به یکدیگری می دهند و یکجوری از پذیرش مسئولیت مستقیم ویرا می دهند. ولی امت حزب الله بیش از همه از زبان رهبریت شکن و سازش نا پذیر خود بود که می شنید: "چه جویری ما صلح کنیم؟ با کی صلح بکنیم؟ این همان هست که یک کسی بگوید فرض کنید پیغمبر اسلام با ابوجهل صلح بکند، قابل صلح نیست. ما جواب ملت عراق را چه بدهیم؟ حالا ملت خودمان هیچ جواب ملت عراق را چه بدهیم."

با این حال، اگر چه قوای ناسوتی همواره بر قوای روحانی پیروزمی شوند و کم تر مومنی چون خمینی! در منظر پاک نگه میدارد و "استحسان الهی" سر بلند بیرون می آید. ولی باید این واقعیت را در نظر داشت که رژیم خمینی، یک رژیم ایدئولوژیک است و برای برانگیختن بقیه در صفحه ۲

ما را به کام مرگ نفرستید!

۵۰ نفر از پناهندگان ایرانی که در بین آنها تعدادی زن و کودک نیز دیده میشود، در تاریخ ۲ اوت پس از اطلاع از تصمیم مقامات ترکیه مبنی بر تحویل آنها به ایران، خود را به دفتر پناهندگی حزب سوسیالیست خلق SHP در شهر وان رسانده و از این حزب تقاضای کمک کردند. روزنامه حریت چاپ ترکیه که این خبر را گزارش کرده است از قول پناهندگان مینویسد: چند روز پیش از این حادثه مقامات ترکیه ۵۸ نفر از دوستانمان را از مرز Koprucay تحویل مقامات ایرانی دادند. که از طرف پاسداران ایرانی در همان محل تیرباران شدند.

ایتالیایی ها هم آمدند

روز ۱۲ مرداد خبرگزاری ریها خبر دادند که یک هیئت ایتالیایی برای انجام مپاره ای مذاکرات و عقد چند قرارداد در تهران شد. با بحران شیترشدن اوضاع ایران، تهران هر روز میماندگا هیئت های مختلف از کشورهای گوناگون است. رژیم می کوشد در این امر از همان تزی استفاده کند که ها شمی ورفسنجان در نماز بقیه در صفحه ۲

پذیرش آتش بس در "جنگ مقدس" و در ادامه آن، تن دادن به مذاکره مستقیم با نمایندگان "مذا میزیدکا فر" تازه ترین و بزرگترین نمونه از اینگونه بیبندی به اصول "سلام عزیز" است که قرار بود، "امت حزب الله شهید پرور" آنرا سر مشق خود قرار دهد و با این آموزشها اسلام ناب محمدی را

روزنامه، خبر و خبرنگار

اگر قبول داشته باشیم که مطبوعات یکی از شریکهای مهم ارتباط جمعی در کشور است، آنگاه بهر احوالی می توانیم به عمق این جمله دا هیا نه بسین پی ببریم که روزنامه ارگان باید کار تبلیغ، ترویج و سازماندهی را به عهده داشته باشد. روزنامه ای می تواند در کار خویش موفق باشد که هواداران بیشتری را بتواند در خویش گرد آورد. این مهم آنگاه تحقق می پذیرد که روابط گسترده ای با خوانندگان ایجاد گردد. رابطه خواننده شرط اصلی بقا و دوام هر نشریه جدی است. حال چگونه بتوان این رابطه را از شکل یک جانبه خارج ساخت و به آن تداوم بخشید، مسئله ای است که ابتکارات خاصی را در تمام عرصه ها طلب می کند. این ابتکارات در شرایط گوناگون، در زمانها و مکانهای مختلف می تواند شکلهای ویژه ای به خود بگیرد. برای روشن ترشدن، بر روی مسئله رابطه کمی تا مل می کنیم. رابطه با خواننده عموماً دو شکل می تواند داشته باشد:

زندگی و مبارزات پناهندگان پاکستان
مشکل باسی پناهندگان بلوچ در کراچی
پهنه های متحصنین
ترکیه
عهدن در اینجا را ترجیح می دهیم
موشد آمریکا
اعتراف علیه کشتار روحشانه
۲۹۰ ساله های بیما ی غیر نظامی
آلمان فدرال
علیه اشتراد پناهندگان ایران
در صفحه ۱۰

سنون آزاد
● ابزارهای مدرن
تبلیغ و سازمانگری
● در باره اهمیت پاولوف گرائی
و روانشناسی اجتماعی
● نقد تئاتر
شوکی در جنگ جهانی دوم
در صفحه ۵

معرفی کتاب در صفحه ۱۲
ملاحظاتی در تاریخ ایران،
اسلام و "اسلام راستین"
اوین، در صفحه ۹-۵
جاده ای از شمشیر
در صفحه ۱۱

مصاحبه با
مندی نرسیمانگی
یکی از رهبران کنگره
ملی آفریقای جنوبی
در صفحه ۱۱

دشواریهای تازه تثبیت جمهوری اسلامی

بنا بر این شکست رژیم ولایت فقیه در جنگ تنها یک شکست نظامی نیست، بلکه یک شکست در بنیادهای عقیدتی آنها برای دست یابی به یک رژیم پیدار و یک امپراتوری اسلامی است.

اگر جنبش پاناسلامیستی امکان آنرا نیابد که در نقطه‌ای از منطقه خاور میانه و شمال آفریقا سر برآورد، با خاموشی گرفتن کانون اصلی آتش انقلاب اسلامی و افول ستاره اسلام‌پره‌روزنه میدی در مقابل رژیم ولایت فقیه چشم‌خوابد؟

با وجود آنکه رژیم اسلامی این شانس را داشته است که برای تداوم عمر خود از طول عمر امام خمینی بهره‌برداری کند، ولی از جهاتی اینرا با بدبینی رژیم جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی درکل دانست که شکست بزرگ نظامی عقیدتی را زمانی تجربه می‌کند که "امام" در قید حیات است. این مسئله کار با زسازی با وره‌های خرافی فروریخته مت حزب الله و رزمندگان اسلام را که به کمک‌های فیزیکی اعتقاد داشتند شوار می‌کند. بعید است داروی همیشگی بیعت با امام هم بتواند نضره بتکان دهنده‌ای که بر فرق مریدان امام وارد شد، راجع بران کند. زیرا اکنون مت "بنا" چشم‌انداز ناباور و سری‌منگ، مقابل امام می‌ایستاده که پت پت کنان حتی نمی‌تواند عدلت این شکست را برای پیروان خود توضیح بدهد. آیا با وجود ابعدای که این بحران مکتب و مرجع پیدا خواهد کرد، حاکمیت رجبانی امام جماران ادا مسه خواهد یافت.

گشت به مدینه را نشان مده، از ما رفع بیعت مکن! و بیخود نبود که بخش اعظم پیاپی سوگواران "امام" در توجیه علل شکست در جنگ و پس‌ذیرش آتش بس به‌شاه و شاه نه کشیدن علیه حکام ریاض و "قاصبین خانه خدا" اختصاص یافت و "رهبر" طبق معمول، رجزخوانان اعلام کرد ما حتی به قوه قهریه، کعبه را از دست آل سعود خواهم گرفت، چرا که با این نشان، خمینی می‌خواهد خا طری پیر و نشان را از بابت عدم سازش و انحراف ایدئولوژیک جمع کند.

جنگ به‌مثابه ابزار صدور انقلاب اسلامی، جزئی از فلسفه انقلاب اسلامی برای تثبیت حاکمیت رژیم ولایت فقیه در یک کشور می‌باشد. بر طبق این فلسفه سیاسی استراتژی استقرار نظام ولایت فقیه در یک کشور از مجرای صدور انقلاب و شکل‌گیری مجمعی از کشورهای اسلامی می‌گذرد. در این مکتب جنگ یک واجب کفای است که به کمک آن وحدت مسلمین جهان صورت واقعی بخود می‌گیرد و امپراتوری ولایت فقیه بر روی زمین مستقر می‌گردد.

اکنون با شکست تلخی که نصیب قوای اسلام و فرزندان امام زمان شده است، نه فقط ابزار اصلی صدور انقلاب در هم شکسته است، نه فقط راه فتح کربلا و بیت المقدس مسدود شده، بلکه خورشیدی که قرار بود، کلیه بلاد امپراتوری اسلامی را روشن کند در خانه خود به تاریکی نشسته است. بدشمار شکست در جنگ، اکنون بیش از هر چیز، مسئله تثبیت حکومت اسلامی خا طرا قبا ن فقها را پریشان میکند.

پیروانش بر منتهی به جهل و خرافات متکی است و دستگام ایدئولوژیک او برای بسیج عوامل الناس، از عناصری چون، روح انبیا، فریضه الهی، رضای خدا و رسول، خشم ملائکه، عذاب الیم و بلاخره جهاد جنگ مقدس و صدور انقلاب تشکیل یافته، که به کمک آنها نظام خود را الهی، مقدس و شکست‌ناپذیر می‌نماید. بهمین علت برای رژیم‌هایی از اینگونه شکست‌های سیاسی بی‌نظامی، در عین حال شکست‌های ایدئولوژیک نیز هست. شکستی که نورایمان را در دل پیر و نشان کم‌سومی‌کنند باعث شیوع الهامی‌گرد و در مسدودری دیگر شکست‌های سیاسی تازه تری را روی دست رهبران می‌گذارد.

در تضرع وزاری شورا انگیز طلب و دانشجوین مشهد به درگاه امام بزرگوار "به‌هنگامیکه ما سه شوم شکست در جبهه‌ها نزدیک می‌شود چشم‌اندازهای انقلاب اسلامی در دیگر بلاد اسلامی که گرفتار رژیم‌های الحادی گشته‌اند، بطور کامل در تیرگی فرو می‌رود، جلوه‌ای از وحشت نزدیک شدن چنین شکست‌هایی را می‌بینیم" قایما بدون تو، بدون آرمای نه‌ای توحیدی و انسانی تو... یکبار دیگر نفس کشیدن برای ماتنگ است. آقا، در این تاریکی بین‌المللی، در این دشت نینوا بی‌تاریخ، چراغ خیمه را خاموش می‌کنی؟ بخون منصفی قسم که بیگن از این بچه‌ها نیز در ایسن شب عا شورایی، از خیمه بیعت بیرون نخواهد زد. در این شامگاه سرخ تاریخ، به ما راه باز.

ادامه از صفحه ۱ آیتالیا شی‌ها ...

جمعه اعلام کرد. تزی که ضمن انتقال از خویش رژیم بر اساس چه لزومی دارد که کسی را که می‌تواند بنا همراه با شند... از خود برانیم استوار است. بنا این تفاوت که موقعیت کنونی رژیم را در آن نباید از نظر دور داشت، برای این اساس دور تجدید نظر در روابط ایران با غرب در بحران‌ترین شرایط جنگی آغاز شد. ابتدا فرانسویها آمدند، روابط مجددا برقرار گردید، طرفین سفیر مبادله کردند و عقد قرارداد های مختلف شروع گشت. آنگاه نوبت به انگلیسیها رسید. یک هیئت پارلمانی انگلیس وارد شهران شد و پس از چند روز "بحث‌های دوستانه" و قول و قرارهای فراوان، طرفین "در محیط صمیمانه" به نتایج مثبتی برای ادا روابط رسیدند و بدینسان اولین دیدار سیاسی در این سطح پس از سقوط رژیم شاه برقرار گردید. هنوز انگلیسیها ایران را ترک نکرده بودند که صحبت از سرگیری روابط ایران با کاتانادای بر سر زبانه افتاد و طرفین "برای همکاری در رشته‌های اقتصادی، صنعتی، علمی و سیاسی" موافقتنامه‌ای کردند و قرار شد سفر رتخانه‌های دوکشوریس از هشت سال با زکشیایی گردد. با رفتن کاتانادای بی‌ها نوبت به

پیروزی انقلاب حالت خصمانه‌ای گرفته است و تا چنین حالتی وجود داشته‌باشد، معنی ندارد. کسه ما به فکر مذاکره با آمریکا با شیم و من گفته‌ام اگر آنها تشخیص می‌دهند که مصالح منطقه وجهان ایجاب می‌کند که با جمهوری اسلامی ایران حریف بزنند اول باید به این حالت خصمانه پایان دهند و ما نشان‌های ملموسی از حسن نیت را در آنها مشاهده کنیم. و بدینسان چراغ سبز چشمک می‌زند. شروط تنها به‌کنار گذاشتن حالت خصمانه محدود شده و افت می‌کند و بدین طریق زمینه برای دیدار با آنها نیز فراهم می‌گردد.

واقعیت این است که در پس پرده تمام ایسن روابط و افت و خیزها این نکته نهفته است که بحران داخلی رژیم فقها دارا و می‌گیرد "مشکلات قانونی چون کوهی سر بر فلک کشیده، نه تنها پیش روی مجریان، بلکه پیش پای انقلاب قدرافراشته است. خطر برآورده نشدن امیدها و آرزوها هر روز بیشتر جنگ و دندان نشان می‌دهد" (نشریه سوز شماره ۲۵ مقاله چشم‌داشتی از مجلس سوم). آری صحبت از برآورده نشدن امیدها و آرزوهای فقها است امری که رژیم دیگر نمی‌تواند آنرا مخفی نگاه دارد و مبریا لیسمن نیز بر آن وقوف کامل دارد.

هیئت آیتالیا شی رسید. این هیئت در دیداری با وزیر صنایع و معادن ایران گفت که آنها می‌توانند در زمینه "ساخت‌های بعد از جنگ" روابط خویش را با ایران گسترش دهند و وزیر صنایع و معادن ایران در مصاحبه‌ای علت آمدن این هیئت را بحث حول "پروژه‌های بزرگ اقتصادی از جمله فولاد مبارکه، نیروگاه‌های دیگر و موضوعهای اقتصادی اعلام کرد. وزیر خا رجا بیتا لیا، بحث و گفتگو پیرامون "پروژه‌های قدیمی" و معوق مانده را نیز به موضوعات مطروحه اضافه کرد.

جمهوری اسلامی تمام کره‌های خویش را بسا کشورهای غربی یکی پس از دیگری می‌گشاید، آنکه تا دیروز "عامل اصلی بدبختیهای امت شهید پرور" بود، امروز دوست و صمیمی از آب درمی‌آیند. رژیم از هر کوششی جهت فعالتر کردن روابط خویش با جناح‌های امپریالیسم آمریکا دریغ نمی‌ورزد. آنان نیز در این رابطه فعالیت ویژه‌ای از خویش نشان می‌دهند. از گوشه و کنار صحبت از رابطه با آمریکا به گوش می‌رسد. هاشمی رفسنجانی در یکی از آخرین مصاحبه‌هایش با مطبوعات در جواب به سؤال یکی از خبرنگاران در این مورد می‌گوید: "ما قبلا اعلام کرده‌ایم که آمریکا بعد از

روزنامه، خبر و خبرنگار

جلب می‌نماید و در این مقاله سعی می‌کنیم مسئله را از دید فنی و نوشتاری بشکافیم.

اصول لازم برای نوشتن یک خبر

از آنچه تا حال گفته شد، شکل و برداشت کلی ما از خبر معلوم گشت. هر خبر جهت درج در روزنامه را می‌خواهد و اجزایی است که بدون رعایت آن نسه تنها در بیان خبر موفق نبوده ایم بلکه خواننده را نارضی و حتی در بسیاری موارد عصبانی گردانیده ایم. قبلاً از اینکه به این اجزاء بپردازیم، گفتنی است که اگر نظری به مطبوعات ببیند، می‌تواند از این مندرجه در آن‌ها اندکی دقیق‌تر دیدم درمی‌یابد که هر خبر از قسمتهای مختلف تشکیل شده است. در ابتدا با خطی درشت جمله‌ای و یا چند کلمه که تداومی یک معنی و یا یک جمله است را می‌بینیم (تیتر) و سپس در زیر آن یک و یا چند جمله به انتخاب از متن خبر، با خطی ریزتر از تیتر و درشت‌تر از متن درج شده است (زیر تیتر). بدنبال این دو، متن خبر می‌آید که آن نیز دو قسمت دارد. قسمت اول در چند جمله کوتاه، اطلاعات کلی در ارتباط با کل خبر را شامل است و قسمت دوم تمام خبر را مشروحاً در بر می‌گیرد. برای روشن‌تر شدن به شرح اندکی از هر کدام می‌پردازیم:

تیتر - تیتر عبارت است از کوتاه‌ترین جمله و یا ارتباط چند کلمه (که در کنار هم یک جمله و یا معنای آن را تداومی می‌کنند) که در بر گیرنده و با زتاب کلی خبر باشد. تیتر باید زکلماتی انتخاب شود و آنچنان قدرتی برخوردار گردد که خواننده را به دنبال خویش به اصل خبر بکشاند. تیتر در اکثر موارد در چهار چوب زمان و مکان و شرایط نیز مطرح می‌گردد. از این تیترهای جاودانی در تاریخ بشریت زیادند. تیترهای که فقط در یک مقطع قدرت جذب، بسیج و محرک دارند، بطور مثال تیتر "شا ه رفت" که خوش ذوقی خوانندگان "در" را به آن اضافه نموده و آنرا تبدیل به "شا ه در رفت" نمود در شرایط خیزش عمومی خلق در سال ۱۳۵۷ بی‌آوردید. "شاه در رفت" از تیترهای جاوید تاریخ مطبوعات است ایران است که در بطن خویش تاریخ یک نسل مبارزه را در آن مجسم می‌کند. زمان، مکان و شرایط، هر سه در ورای این تیتر دیده می‌شوند.

زیر تیتر - زیر تیتر عبارت است از یک یا چند جمله مهم از خبر که در متن آن نیز تکرار نشده است. هدف از زیر تیتر این است که اگر تیتر نتواند نقش لازم برای جذب خواننده به سوی خبر را بازی کند، این کار را انجام دهد. برای همین زیر تیتر را از قسمتهای جذاب و جالب خبر انتخاب می‌کنند و با خطی درشت‌تر از متن خبر و ریزتر از تیتر در زیر آن می‌نویسند. آنطور که با یک نگاه قابل خواندن

ما زمانهای مترقی اصول هدف و لاتری را نیز در این راستا باید دنبال کنند و آن اینکه: این ذهنیت را در توده‌ها بشکنند که روزنامه صرفاً با یسد توسط چند نفر آدم حرفه‌ای به عنوان هیئت تحریریه و روزنامه نگار حرفه‌ای اداره گسرد و اینان نویسنده‌گان و خبره‌گانی هستند که می‌توانند در تمام مسائل صاحب نظر باشند. این مشکل بود که نتین نیز همیشه آنرا متذکر می‌شود و بدینوسیله از تمام مردم بخصوص کارگران و زحمتکشان می‌خواست تا برای روزنامه‌ها کارگزاران مطالب بنویسند و عملاً به هیئت تحریریه آن‌ها اضافه گردند. البته نشریات بورژوازی عمدتاً حول هیئت تحریریه کارهای روزنامه‌ها انجام می‌دهند و اعتقاد به روزنامه نگاران حرفه‌ای دارند و از شرکت خواننده در امر روزنامه‌ها و اصولاً از این خط است و حجت دارند.

خبر چیست؟

تعبیر ما از خبر جهت درج در روزنامه عبارت است از بیان جامع‌ترین و کاملترین اطلاعات حول مسئله یا حادثه‌ای خاص در کوتاه‌ترین جملات ممکن. علت اینکه صحبت از بیان جامع‌ترین و کاملترین اطلاعات می‌کنیم، این است که پس از خواندن خبر دیگر هیچ سؤال در ارتباط با چگونگی رخداد حادثه برای خواننده باقی نماند. خبر نباید به جای دادن اطلاعات کافی لازم خواننده را سردرگم و گیج گرداند. علت اینکه بیان آنرا در کوتاه‌ترین جملات ممکن طلب می‌کنیم، این است که با ولا صفحیات روزنامه محدود است. در تاری در وقت خواننده صرفه جویی می‌گردد و تنها بیت‌اینکه، اگر می‌توانیم خبر را کوتاه‌تر بنویسیم، چه لزومی دارد که طولانی‌ترش گردانیم. شکی نیست که برای طولانی‌تر کردن خبر مجبور خواهیم شد بعضی از جملات را با کلماتی دیگر تکرار کنیم و یا اینکه به مسئله‌ای حاشیه‌ای رو آوریم. آن گذشته امروزه هنر نوشتن در این نهفته است و نویسنده‌ای می‌تواند در کارش موفق‌تر گردد که بیشترین مطالب را با کوتاه‌ترین واژه‌ها و جملات بیان کند.

ما چه نوع خبری می‌خواهیم:

چه نوع خبرهایی می‌تواند برای ما جالب و قابل استفاده باشد؟ محورهای تهیه اخبار و نحوه کسب خبر و تهیه گزارشات خبری، از مسائلی است که هر کدام احتیاج به بحث مفصلی دارند. راه کارگر، ارگان سازمان، در شماره ۵۲ قرا - خوانی بدین منظور درج کرده که از طرف دبیرخانه سازمان منتشر گشته است. مسائل مطرح شده در این فراخوان در این مورد خواندن و جالب است، ما از تکرار این موضوعات در اینجا صرف نظر کرده و نظر خوانندگان را به آن فراخوان

نگار احتیاج دارد. خبرنگار جدی به میان مردم می‌رود، از زندگی آنان جویا می‌شود، نقطه نظرشان را می‌شنود، از حوادثی که در طی روز بر آنان گذشته با خبر می‌گردد و در نهایت به انتقال و با زتاب آنها در روزنامه می‌پردازد. بدین طریق خبر و یا حادثه در روزنامه منعکس می‌گردد. خواننده از آنچه که بروی و یا بر دیگران افتاده است، در صفحات روزنامه می‌بیند و طبیعی است به همسراه آن از نقطه نظرهای دیگران و یا گردانندگان روزنامه نیز، حول مسائل مختلف اطلاع حاصل می‌کنند و بدینوسیله ارتباطی بین خواننده و روزنامه برقرار می‌گردد. این ارتباط، رابطه‌ای است یک جانبه، غیر مستقیم که از طریق خبرنگار انجام می‌پذیرد.

شکل دوم: رابطه مستقیم: این رابطه، شکل عالی‌تر رابطه با است. شکلی است که می‌تواند موفقیت روزنامه‌ها را تضمین کند. در این نسوع رابطه علاوه بر خبرنگاران، خوانندگان، خود خبرنگاران روزنامه‌ها، خوانندگان از زندگی خویش و آنچه که بر آنان می‌گذرد، خود شخما برای روزنامه می‌نویسند. در مسائل و بحثها بی‌که در روزنامه و نشریه مطرح می‌شود فعلاً لانه شرکت می‌جویند. این درحالی اتفاق می‌افتد که آنان با و رکنند، روزنامه متعلق به آنان است و شرط شرکت آنان در فعالیتها روزمره آن، راز بقای آن است.

روزنامه‌های که به شکل دوم ارتقاء پیدا کنند، می‌شود گفت در تبلیغ و ترویج به آن حدی رسیده است که می‌تواند زمانه‌ها را شروع کند. هر سال زمان سیاسی نیز با چنین برداشتهایی اقدام به نشر روزنامه می‌نماید و دولتی کم‌تر روزنامه‌های به این حد از تعالی دست می‌یابد. هر نشریه‌ای هر قدر در این امر موفق‌تر گردد، از قدرت شکنندگی آن کاسته می‌شود. پیروزی و موفقیت این روزنامه‌ها را خوانندگان آن از قبل تضمین کرده‌اند. اصولاً زندگی یک نشریه آنگاه زنده ترمی‌شود که بتواند هیئت تحریریه‌ای به وسعت خوانندگانش دور خویش گرد آورد. لازم نیست اینان همگی نویسنده‌گانی خبره و کارکنان باشند، مهم این است که اینان از دردتان و از واقعیتها روزمره زندگیشان برای نشریه بنویسند از طرف دیگر نشریه لازم نیست تمام آنچه را که از خوانندگانش دریافت می‌نماید چاپ برساند. یک خبر شایسته عنوان یک فاکت یا یک سند، استفاده‌ای در از مدت‌داشته‌ها شد و تا زمان استفاده آن با یگانی گردد. یا شایده خبری صرفاً استفاده اطلاعاتی و آگاهی از مسئله‌ای خاص را داشته باشد، و اصولاً یکسری از اخبار در آرشور روزنامه‌ها با یگانی می‌گردد تا در زمانهای مختلف برای مسائل گوناگون به عنوان یک فاکت استفاده گردد.

روزنامه‌ها و نشریات مترقی و ارگانهای

روزنامه، خبر و ...

باز

البرز فرا می‌خواند بسوی خویش

یاران را

رژیم‌سپاه و تنبیه‌کار جمهوری اسلامی می‌دانست که میا دین ورزشی و بویژه کوه‌میگا به یاران است، بهمین خاطر از همان روزهای اول سلطه خویش تلاش کرد تا بین محیط‌ها را تحت تسلط و نظارت خود درآورد. میا تعطیل کند و میا با اسلامی کردن ورزش روح جوانمردی، شجاعت و پایداری را از آن بریابد، اما همچنان که خلفای عباسی قاندر نشاندند، رژیم اسلامی نیز نشاوت روح‌آزادگی را در با یک‌های سرزمین مان به زنجیر کشد.

امسال که همراه با یاران البرز یخهای خود را آب کرده و شاخ جلا شکسته است، چشمه‌های زلال و گوارایش پر آب تر و جوشا نتر از پیش مشتاقان و یاران را بسوی خود فرا خوانده است. هزاران هزار جوان برومند با زنجیرها نبخش او سیراب می‌شوند و در بلندی و سترگی او صلاح چشم و نغمه‌سرت خویش علیه جباران خون‌آشام می‌قل می‌دهند.

تو چال و ساریا ارتفاعات شمال تهران چون دوران تدارک انقلاب بهمن و سال اول سرمستی از آن دریاها را مسالده‌های بیشمار مردم و جوانان را در روزهای تعطیل گرد خود می‌آورد. پاسداران جهل و سرما به کتاتامال همسایگان ارتفاعات را قرق خود کرده بودند، قاندر نشاندند که هجوم سیل مردم را مانع شوند و عا جزا زکنت در بند، پله‌های آغا زین صعود را با ردالت ترک کردند.

ای کوه؛ عشقان به بلندی آسمانست، بیمانمان به استواری قامتت، روحمان به زلالی چشمه‌ها و یکنیسه‌ها مان به تیزی تیغه‌ها - بیت، سرودها مان به سرخی لاله‌ها بیت و آگایمان به پهنای دره‌ها بیت. این نجواهایی که جوانان کشورمان در دست‌های ۲۰-۳۰ نفره هنگام صعود از دربند در دل‌های جوشان خود تکرار می‌کنند، هنگام غروب که با زبکام شیر در بند ستم‌بر می‌گردند، آنا ترا برای مبارزه آماده‌تر و مصمم‌تر می‌کنند.

★ ★ ★ ★ ★

از بروتولت برشت:

من با بسیاری گفتگو کردم و عقاید بسیاری را بدقت گوش دادم و از بسیاری دربارهٔ خیلی از آن عقاید شنیدم که: این عقیده یقین محض است! ولی به هنگام بازگشت، جز آنچه گفته بودند می‌گفتند: و دربارهٔ عقیده تازه نیز می‌گفتند: این یقین محض است. آنگاه با خود گفتم: از میان همه یقین‌ها یقین‌تر از همه، شک است!

واقع شده، مثل دیروز، امروز، سال قبل، ساعت فلان، هفته آینده و ...

کجا - هدف از "کجا" مکانی است که خبر در آن بوقوع پیوسته است. مثل فلان شهر یا کشور، محله یا خانه، سالن یا مزرعه و ...

چه - "چه" حکایت از این دارد که چه چیز رخ داده، انقلاب شده؟ قتل صورت گرفت؟ سخنرانی انجام پذیرفته، ملاقات برقرار گشته، و ...

چرا - مراد از "چرا" علت وقوع حادثه است. علت ایضا مختلفی می‌تواند داشته باشد. گاه یک اختلاف شخصی دعوی را نتیجه می‌گردد و گاه فقر و گرسنگی انقلابی را به حال هم اختلاف و هم گرسنگی و فقر در دو مثال بالا، علت وقوع دو حادثه هستند، علل گوناگون حوادث مختلفی را سبب می‌شوند. "چرا" در خبر در جستجوی این علل است.

چگونه - هدف از "چگونه" بیان چگونگی وقوع حادثه است. هر حادثه‌ای به شکلی خاص بروز می‌نماید. در این قسمت منظور ذکر چگونگی این شکل است. برای مثال اعتراضی صورت پذیرفته و کارگران فلان کارخانه بر سر مسئله‌ای خاص واکنش نشان داده‌اند. بیان چگونگی این اعتراض و واکنش هدف این بخش از خبر است. آیا این اعتراض شکل اعتصاب داشته و یا کم‌کاری، این واکنش کارگران با دست کشیدن از کار و برپا نمودن و یا نوشتن طوماری به اداره کار و یا ... طبیعی است "چگونه" در حوادث گوناگون شکلهای ویژه‌ای به خود می‌گیرد. در یک خبر با پدیدار شدن شکل ویژه بیان شود.

علاوه بر مسائلی که ذکر شد، اطلاع از درجه صحت خبر و اینکه آیا روى مستقیم‌ها هدایت بوده و یا غیر مستقیم، توسط و از طریق رابطه‌ای دیگر از آن کسب اطلاع نموده است، نیز مسئله‌ای است که برای ما می‌تواند مهم باشد.

در بیان قابل ذکر است که مطالب مذکور صرفاً جنبه کمک به بهتر نویسی خبر و گزارش درج شده و انتظار داریم دوستان و رفقا با اطلاع از آن درگسترش روابط خویش با ما بکوشند. ما معتقدیم که روزنامه‌ها باید نبیخ‌جا معیاشد. این نبیخ‌نگاه دقیق‌تر می‌گردد که ما بتوانیم رابطه‌ای متقابل با شما، تک‌تک دوستان و رفقای که نشریه‌مان را می‌خوانید برقرار نماییم. رابطه‌ما محدود به سیاست و مسائل روز نیست، برای تمام مسائل مبرم جامعه و جنبش و طرح و بررسی آنها، در ارتباط با تاریخ، هنر و فرهنگ کشور و بسیا موارد دیگر، ما می‌توانیم با هم رابطه برقرار نماییم.

باشد، معمولاً با توجه به طولانی بودن خبر، برای آن از یک تا سه زیرتیتر آورده می‌شود.

انتخاب تیتر و زیرتیتر با مسئله‌روا شناسی توده‌ها نیز می‌تواند همخوانی داشته باشد. برای این اما تیتر و زیرتیتر می‌توانند موفق‌تر گردند که به آن توجه لازم کرده‌اند و از این مسئله برای کشش خواننده به اصل مطلب استفاده کند. استفاده از کلمات و واژه‌هایی که به نحوی مردم و جامعه به آن حساس گشته‌اند، بنا بر این خبرنگار خوب روان‌شناس خوبی نیز باید باشد.

خلاصه خبر - خلاصه خبر که معمولاً در ابتدای هر خبری آورده می‌شود، عبارت است از بیان کل خبر در چند جمله کوتاه. خلاصه خبر به این علت نوشته می‌شود که اگر خواننده‌ای وقت لازم جهت خواندن کل خبر را نداشته باشد، بدین وسیله بتواند از اصل خبر اطلاع داشته باشد. خلاصه خبر از طرفی دیگر دنیا له‌نقشی را بازی می‌کند که تیتر و زیرتیتر به عهد‌ها دارند، یعنی جذب خواننده و شرعیت و تشویق آن به خواندن کل خبر. با درج خلاصه خبر خواننده می‌تواند پدیده‌ها را در یک نگاه از دیدگاه خود و یا این، آن خبری است که برای وی خواننده می‌تواند ارزشمند باشد. خلاصه خبر به این مسئله نیز توجه دارد که معمولاً خواننده‌ای به مسائل خاصی که در اخبار خاص رانده می‌شود، با درج آن اولاً خواننده مطلب دلخسواه خویش را سریع‌تر پیدا خواهد کرد و در ثانیه در غیر صورت اول ناخواسته از خبری دیگر کسب اطلاع می‌کند که در صورت جذاب بودن می‌تواند و را به خواندن کل آن بکشد.

متن خبر - متن خبر عبارت است از بیان آنچه که بوقوع پیوسته و یا در شرف واقع شدن است. حادثه‌ای پدید می‌آید، شخصی و یا خبرنگاری آنرا دیده و یا شنیده و حال می‌خواهد آنرا برای درج در روزنامه بنویسد. طبیعی است این خبرنگار آنگاه می‌تواند خواننده را راضی گرداند که تا حد امکان هیچ نکته‌ای به پایش از خبر باقی نماند. برای اینکه خبر کامل باشد و از نقصانها بسودر، لازم است نویسنده اصولی را در این مورد به ذهن داشته باشد که با حذف و یا بکار نبردن هر کدام از این اصول خبر ناقص خواهد بود. در کار خبر - نگاری این اصول را درش کلمه خلاصه کرده‌اند که عبارتند از: که، کی، کجا، چه، چرا و چگونه. حاصل برای روشن تر شدن، در مورد هر کدام از این اصول اندکی توضیح لازم است:

که - هدف از "که" شخص و یا اشخاصی هستند که نقش اصلی را در خبر دارند و یا به روایتی دیگر خبر سازند. "که" می‌تواند یک سا زمان باشد و بسا یک رژیم، یک شخص یا شدویا یک گروه.

کی - منظور از "کی" زمان است که خبر در آن

ستون آزاد

● ابزارهای مدرن و شیوه‌های جدید در تبلیغ و سازمان‌نگری هژمونی طبقه کارگر

مشروطیت ابتدا صدور فرمان تحریم و دیگر فرامین مراجع نظام شیعه و سپس شب‌نامه‌های سوسیال دمکراسی (مراکز غیبی) اشکال مناسب برای جاری ساختن روح انقلاب در پیکر جامعه و راضومدن بدان بودند. سالها بعد مجله "دنیا" بذر آگاهی و اندیشه سوسیالیسم را در میان روشنفکران جامعه پراکند. سخنرانیهای دکتر مصدق در مجلس و اجتماعات مردم تهران، نوارهای سخنرانی روحانیون در سال ۴۲ و بعد از اولین کشتار قسم توسط رژیم شاه و باز اعلامیه‌های مراجع عظام در ماههای بعد از آن تا بهمن ۵۷ و ۰۰۰ همه شکلهای متفاوتی هستند که بوقوع خود با توجه به روانشناسی اجتماعی جامعه در رساندن مضمون و پیامی که رسالت رساندنشان به مخاطبین خود را داشتند موفق بودند. قصه‌های صمد نسلی از انقلابیون را پرورش داد و دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی فرهنگی رژیم و از جمله جشنوارهها و دست و دل‌بازی‌های "فرهنگ و هنر" بیروانش قادر نبودند با آثار ادبی محدودی که تیراهای یک تا سه هزارسخنای داشتند مقابله کنند. شرح قهرمانیهای چریک‌های فدائی به تنهایی راهگشای آشنائی چند نسل از دانشجویان و جوانان با سوسیالیسم و انقلاب میشد، و ماهی سیاه کوچولو در هر خانه ماهی‌های سرخ کوچولو را پرورش میداد، دفاعیه گل‌سرخ و دانشیان احترام ستایش انگیز توده‌ها را نسبت به کمونیستها برمی‌انگیخت، اعلامیه‌های گاه‌ب‌گاه دستنویس و اکثراً حای شعار چون ندای رسای مقاومت و روشنفکران چپ و ادامه مبارزه، باور به پیروزی در فردای روشن را در دلها برمی‌انگیخت، اعلامیه‌هایی که صرف پخش شدنشان مهتر از مضمونشان بود.

از طرفی چون بورژوازی ایران به شیوهای شاهانه و ارتجاعی بوروکراتیک بوسیله سزایین انقلاب سفید بعنوان یک طبقه اقتصادی هویت مادی واقعی کسب کرده است هرگز لیاقت و فرصت آنرا نداشته است تا چون بورژوازی انقلابی دوران رقابت آزاد سرمایه‌ها در غرب فرهنگ و مدنیت بورژوازی را کسب کند. "فرهنگ" و "هنر" بورژوازی بی‌عرضه ایران هرگز از "شکوفه نو" و تصنیفهای عربی و کراوات زدن و بکاربردن کلمات فرنگی در زبان فارسی و چسبیدن به "مفاخر ملی" مربوط به دوران مجد و عظمت ایران باستان در عهد بوق فراتر نرفته است. ادبیات برای بورژوازی ایران در قرون وسطی و نهایتاً دوره مشروطیت پایان یافته و در عرصه جهانی از ترجمه چند اثر بلحاظ مضمون اجتماعی بی‌خاصیت (هرچند بلحاظ شکل ادبی نگرش بسیارپرازش) فراتر نرفته است. از طرفی شونیسم نوکر صفت بورژوازی ایران (نوکر صفت درقبال غرب) توهین و تحقیر خاصی را علیه خلقهای غیرفارس معمول داشته و در این راه "آکادمیسین"های درباری را هم برای جعل تاریخ و فرهنگ واقعی ایران بخدمت گرفته است. این ویژگیهای بورژوازی ایران بلحاظ تاریخی سدمیمی درقبال رشد فرهنگ و ادبیات و هنر ایران بوجود آورده است. اما از طرف دیگر از آنجا که طی دهه‌های متوالی روشنفکران چپ برای مبارزه این کمبودهای ناشی از ناتوانی طبقه در صفحه ۱۵

مدنی این استعداد و قابلیت سحرآمیز را داشت که میتوانست کلیه دستاوردهای جدید بشر را در عرصه تکنولوژی مستقیم و غیرمستقیم به حفاظ مادی و لعاب ظاهری دستگاه قهر سرمایه بدل کند.

ذکر چنین مقدمه طولانی از آنجا لازم می‌آید که تبلیغ و اساساً خود مبارزه طبقاتی، فرایند مستقیمی بشمار نمی‌آیند بلکه یک جنگ واقعی پیچیده در دو سوی مقابل تکامل و ضدتکامل مناسبات اجتماعی هستند که نتیجتاً فرارغ از آنچه در جبهه مقابل بوقوع پیوسته و در جریان است نمی‌توان ستیز پیرومندانهای را طرح و به انجام رساند.

برای پیروز شدن در یک نبرد نابرابر، برای طرف ضعیفتر، تعقیب جزئی‌ترین تغییر و تحول در سازوبرگ و تاکتیکهای نظامی حریف، اهمیت مرگ و زندگی دارد. و بطریق اولی برای کمونیستهای ایران که بنحیل شرایط عمومی جامعه و ناتوانیهای ذهنی داخل جنبش چپ، پیوسته از زاویه بسیار بستهای به دنیای محدود با دیوارهای ستبر مابین فرقه‌ها نظر دوخته، امروز اهمیت زیادی دارد که آیا با مسوئله‌های مذهبی در مستعمرات قرن ۱۹ مبارزه میکند یا در دنیائی که عیش مردم جهان به دیدن شنیدن تصاویر و تفضیلات واقع چهارگوشه دنیا در همان روز واقع، منحصر از سوی کمپانیهای پاسخ گفته میشود که تحت کنترل مستقیم بزرگترین کارتلها و تراستهای بین‌المللی قرار دارند.

وجود شرایط عینی و حتی اعتدالی انقلابی در جامعه هنوز بمعنی این نیست که بدون توجه به شیوه‌ها و ابزار متناسب با روحیات مخاطبین و روانشناسی اجتماعی توده‌ها میتوان حاصل کار طولانی مدت معماران "افکار عمومی" را که توانستند مفهوم بورژوازی از جهان را بصورت "عقل سلیم" آتانی کنند، بی اثر ساخت.

بجاست به همه جایگر شدن سریع دستگاهها روشهای ساختن افکار عمومی هم اشاره کرد که برخلاف تکنولوژی، با سرعت بسیار بالائی راه خود را به‌مدورترین و عقب‌ماندهترین نقاط جهان باز میکند. آنجاها که هنوز جاده آسفالت و تراکتور خبری نیست، مردم از دریچه بخشهای بین‌المللی رادیوهای غرب و رسانه‌های گروهی و محلی - که از منابع اطلاعاتی انحصارات تغذیه میکنند - به جهان پیرامون مینگردند. واژه‌های "آشوب"، "بی‌نظمی"، "ناآرامی"، "دمکراسی"، "حقوق بشر"، "منافع حیاتی"، "تروریسم"، "جهان آزاد" و ... در مفاهیم خاص و با بار ویژه سیاسی - اجتماعی از این مجراها جانداخته میشود. این واژه‌ها القابای زبان مرموزی را میسازند که توجیه نظم موجود و بسامان جلوه دادن و ابدی معرفی کردن آنرا بعهده دارد، دستور زبان چنین زبانی هم نبویه خود از طریق "راسبو"، "راکی" آموزش داده میشود.

بیش از نیم قرن پیش، انطونیو گرامشی، انقلابی فرزانه ایتالیا گفت: "قدرت واقعی نظام حکومتی در خشونت طبقه حاکم یا قدرت با عنف و جبر نیفته نیست، بلکه در این است که کسانی که بر آنان حکومت میشود "مفهوم از جهان" را پذیرفته‌اند که متعلق به طبقه حاکم است." و در توضیح نحوه تبدیل شدن این "مفهوم از جهان" به جهانیابی توده‌ها میگوید: "۰۰۰ فلسفه حاکم از یک بافت کامل از کادراهای پیچیدهای که برای قابل فهم عامه شدن آن صورت میپذیرد، میگذرد تا بصورت "عقل سلیم" آتانی شود. یعنی بصورت فلسفه توده‌های که، اخلاق و آداب و آئینهای رفتار مرسوم در جامعه‌ای را میپذیرند که در آن زندگی میکنند."

در این نوشته بحث صرفاً معطوف به ابزارها و شیوه‌های است که از یک سو برای آتانی کردن "مفهوم از جهان" بصورت "عقل سلیم" بکار گرفته می‌شود و از دیگر سو "عقل سلیم" طبقه حاکم را زیر علامت سوال میکشد. ابزارها و شیوه‌هایی که به مدد آنها یک قطب افراطی جامعه میکشد ثابت کند که "به دلیل بودن اشیا" و پدیده‌ها، بدانسان که هستند، آنها همانطور که هستند "باقی خواهند ماند و قطب دیگر مصمم است با عیان ساختن ناهنجاریهای حاکم بر "اشیا" و پدیده‌ها، بدانسان که هستند" دادخواست خود علیه نابسامانی حاکم بر دنیای موجود را به محکمه تاریخ بقبولاند.

از دیرباز طبقات حاکم برای آنکه بتوانند راحتتر حکومت کنند محتاج همدلی طبقات محکوم بودند و برای نیل به این هدف دستگاه مذهب بنابینه شناخته شده‌ترین وسیله - بویژه از ظهور دولتهای فئودالی به اینسو - بکار گرفته شده است. نمایندگان "آسمان" بر روی زمین پیوسته با موعظه درباره تأیید مشروعیت خداندان قدرت دولتی، سهم خود را از "زمین" به تاراج گرفته شده از محکومین جامعه، فاصله گرفتند. حتی بعد از آنکه بورژوازی "عقل" خود را جایگزین جبرمقدر آسمان نمود بازهم بطور کامل این دستگاه را از میان ابزارهای مهم سازمانگری هژمونی خود برآهالی به کاری نهاد.

بورژوازی همزمان با تثبیت خود بصورت طبقه حاکم، دستاوردهای تاریخی خود را به بهره‌مندی صرف از تکنولوژی جدید برای کسب سود سرشار محدود نکرد. بلکه در عرصه سیاسی نیز ضمن کنار زدن روینسای پوسیده فئودالی، روز بروز در سایه استحکام پایه‌های اقتصادی خود، تجربه دولتداری خود را غنی تر و پیچیده‌تر ساخت.

با گذشت هر روز راههای خشن اعمال حاکمیت بیادگار مانده از دولتهای قرون وسطائی فئودالیزم را به نفع جایگزین ساختن شیوه‌های نوین حفظ اقتدار سرمایه بر جهان کار، از ویتترین ابزار و شیوه‌های دولتداری خود به پستوی روزهای مابدا و دیکتاتوری‌های نظامی و غیرنظامی مستعمرات سابق عقب نشاند. بورژوازی دستگاه شکننده دولتهای کهن را در هالطای از سنگرها و خاکریزهای عقلانی جامعه مدنی پناه داد. جامعه

اگر اینجا بخواهیم بحث را در وجه مشخصی آن متوجه عرصه پیکار طبقات در کشور خودمان بکنیم، باید مسئله را در دوره‌های متعدد پیگیری کنیم. در دوره

● نکاتی درباره اهمیت پاولوف‌گرایی و روانشناسی اجتماعی

بحث ونگارش پیرامون اهمیت روانشناسی علمی، که پاولوف‌گرایی و روانشناسی اجتماعی اجزاء اساسی آن را شامل می‌شوند، بدلیل درهم تنیدگی اش با فلسفه مارکسیستی (بویژه پاولوف‌گرایی لیسم تاریخی)، تا ریشه‌شناسی، جا معیبه‌شناسی، پیداکوژی، بیولوژی، فیزیولوژی و... حتی در حد مقدماش‌نیا زبه‌نگارش کتاب‌های متعدد وگشودن جایگاه ویژه وگسترده برای بحث دارد. این نوشته کوتاه، با هدف بیان فهرست وار نکاتی پیرامون پاولوف‌گرایی و روانشناسی اجتماعی و نیز اهمیت فلسفی و سیاسی این دو مقوله‌پراهمیت در عرصه روان‌شناسی علمی، نگاشته شده است.

آرش (م)



از هنگام جدائی روانشناسی از فلسفه، حدوداً صدسال واندی می‌گذرد، از آن هنگام تا به امروز، روانشناسی با باری گرفتن از علوم مختلف طبیعی، اجتماعی و فلسفه و در ارتباطی تنگ و متقابل با آن‌ها، هرچه بیشتر با بسن می‌گذارد، ضمن تبیین و تکامل علمی خود، اهمیت بیشتری و جایگاهی ویژه‌تر در عرصه‌های گوناگون حیات بشری پیدا کرده است. امروز روانشناسی علمی متشکل از دو جزء روانشناسی فردی (روانشناسی عام یا عمومی) روانشناسی اجتماعی یا مارکسیستی و در ارتباطی تنگ با سایر علوم، پهنه‌گسترده‌ای را در زندگی بشریت دربر گرفته است. روانشناسی فردی و شقوق مختلف آن، بعنوان بخشی از روانشناسی علمی، گام‌های اساسی و ارزشمند در راه شناخت منشأ، ماهیت، چگونگی تکامل و شکل‌گیری پدیده‌های روانی طبیعی و غیرطبیعی در انسان به پیش برداشته و در حیطه پاسخگویی روشن و مشخص به مسأله‌های فلسفه نیز نقش ویژه خود را به نمایش گذاشته است. روانشناسی اجتماعی مارکسیستی نیز، بعنوان جزء دیگر روانشناسی علمی، در تلاش برای شناخت روان اجتماع، پراورحیه‌جا معیبه که با ورمیا رزین و انقلابیون در راه‌اتخاذ سیاست‌های اصولی و انقلابی برای به پیش راندن جامعه بشری است، گام‌های اساسی برداشته است. به اخصار و گذرا، به هر کدام از اجزاء نظری می‌اندازیم:

درباره پاولوف‌گرایی و پاولوف‌گرایی

روانشناسی علمی، بویژه جزء روانشناسی فردی و شاخه‌ها و مکاتب پیرامونی و وابسته به آن که در ارتباط و تنیدگی متقابل با روانشناسی

نخستین دوره، که نزدیک به ۲۵ سال طول کشید، تلاش پاولوف صرف نشان دادن اهمیت و نقش نظام عصبی، بویژه مغز بعنوان تنظیم‌کننده کار روابط اعضا مختلف ارگانیسم انسان شد. دومین دوره که ۳۵ سال از عمر او را دربر گرفت، دستاوردهای بزرگی چون کشف "تئوری بازتاب‌های شرطی"، پژوهش درباره کارکرد قشر مغز، مطالعه در مورد پدیده‌های مختلف روانی مانند خواب و رویا، پژوهش درباره بیماری‌های عصبی و درمان تجربی اختلالات عصبی و همچنین عنوان نمودن نظریات و تعاریفی درباره تیپ‌های مختلف عصبی و مفاهیم پیچیده‌ای همچون غریزه را به همراه داشت.

تلاش‌های قابل تقدیر او را از منظر پاولوف سبب گردید تا در سال ۱۹۰۴ بعنوان برجسته‌ترین فیزیولوژیست جهان، جایزه نوبل را دریافت کند و به عنوان "افشاگر بزرگ وظیفه مغز" و "آزمایشگر کبیر زمانه" ملقب شود، و که در سال ۱۹۰۷ به عضویت فرهنگستان علوم روسیه منصوب شده بود. بعنوان آزادیخواهی میانه‌رو، نسبت به بلشویک‌ها خوشبین نبود، اما بعدها بدلیل عملکرد حکومت شوروی نظراتش تغییر کرد. آنگونه که در سخنرانی‌اش هنگام دیدار از زادگاهش "ریازان" به سال ۱۹۳۵ می‌گوید: "... پیش از این علم از مردم جدا بود، لیکن اکنون اوضاع دیگرگونه شده است... من این‌جا مرا به سلامتی حکومتی می‌نوشم که توانست چنین کند و علم را چنین گرامی می‌دارد و این چنین با حرارت از آن پشتیبانی می‌کند، من جاسلامتی کشورم می‌نوشم، شوری کمیسارهای خلق شوروی نیز به مناسبت هشتاد و دو سالگرد تولد پاولوف، ضمن ارجح‌گذاری به تلاش‌های خستگی‌ناپذیر او در زمینه کار علمی، بویژه در رابطه با کشف تئوری بازتاب‌های شرطی، او را در ردیف کلاسیک‌های علوم طبیعی قرار می‌دهد و همراه با تانکید بر فراهم نمودن امکانات لازم برای ادامه کارهای او و همکاران و شاگردانش مرکز مجهزی را برای ارائه پژوهش‌های پاولوف در شهرک "کولتوشی" در نزدیکی لنینگراد - پترزبورگ سابق - فراهم می‌آورد و ناآنان شهرک را نیز به احترام پاولوف، "پاولوفیا" یا "ولفسک" می‌گذارند. پاولوف که "سراسر زندگی خود را با غمها و شادمانی‌هایش در خدمت علم گذاشت و ناامیدی را "خلعت طسقات میرنده" می‌دانست و در آخرین پیاوش، که در واقع وصایای او بود، به جوانان و همکارانش هشدار می‌دهد که خود را به "موزه واقعیت‌های بیگانه‌ای شده تبدیل نکنند"، در ۲۷ فوریه ۱۹۳۶ چشم از جهان فرو بست.

اجتماعی قرار دارد، با نام "پاولوف" گره خورده است. ایوان پتروویچ پاولوف، بعنوان یکی از نوایغ بزرگ جامعه بشری، علاوه بر ارزش‌های فلسفی و پیداکوژیکی آموزش‌هایش، میسر اث‌گذا ر دستاوردهای گران‌بهای در پهنه فیزیولوژی روان‌شناسی و روان‌پزشکی است. او بیش از ۶۰ سال از ۸۷ سال عمرش را صرف پژوهش‌های علمی بویژه مطالعه گسترده در حیطه جریان‌های فیزیولوژیکی ارگانیسم حیوانات عالی و انسان کرد. فعالیت ۶۰ ساله‌ای که بازده آن، تکمیل‌کننده یک مرحله از مراحل تکامل فیزیولوژی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی و نیز جابجایی دستاوردهای پستراهمیت و پراورزشی در عرصه فلسفه و علوم اجتماعی است، با زده‌های گران‌بهای او را در برابرو در تقابل فرویدیم قرار داد. اگرچه فقدان شرایط ضروری برای یک زندگی طبیعی، او و بسیاری از مردان علم روسیه تزاری را رنج می‌داد و تا شیره سوز بر کارهاشان می‌گذاشت، اما پاولوف که به گفته همکارش "دکتر هورسلی گانت"، "هنگامی که ۷۷ سالگی سبیلش جوش می‌داد"، هرگز تسلیم چنان شرایطی نشد، شرایطی که علاوه بر پیگردها و فشارهای رژیم دیکتاتوری ضد علم و ضد مردم‌تزاری، دوفرنزندش نیز بدلیل شرایط بد زندگی چنان سپرده بودند. در این میان تردیدی نیست که استقامت و همدردی "سارا" همسرش، که همیشه با و لوف او را "عزیزترین نیمه وجود خود" می‌نامیدش نقش پراورزشی در این تسلیم‌ناپذیری و موفقیت داشته است.

فعالیت‌های علمی پاولوف را با توجه به ویژگی‌های کارهایش، چه قبل و چه بعد از انقلاب، می‌توان به دو دوره تقسیم کرد و مورد مطالعه قرار داد:

اهمیت فلسفی کارهای پاولوف

کارهای پاولوف، علاوه بر ارزش‌های

● نقد تئاتر

شویک در جنگ جهانی دوم

شویک
در جنگ جهانی دوم
SCHWEYK
Im Zweiten Weltkrieg



اثر برتولد برشت
گروه تئاتر بارباد
کارگردان: آ. توکا
تاریخ اجرا: ۲۰ ژوئیه
سامت: ساعت نمایش ۳ ساعت،
Dauer: 3 Stunden
Von Bertold Brecht
Theatergruppe Barbad
Regie: A. Tooka
Datum: 2. Juli 88 20 Uhr

اجرائی ناصحیح و ناموفق

از يك اثر برجسته نمایشی.

نویسنده: برتولد برشت

کارگردان: آ - توکا

اندیشیدن، نوشتن، یا تهیه يك نمایش، بمعنای:
دیگرگون ساختن جامعه، و بازبینی دقیق عقاید نیز
هست. - برشت -

اوج زندگی تئاتری برتولد برشت (۱۸۹۸-۱۹۵۶) بعنوان يك نمایشنامه‌نویس، نه بعنوان يك مرد تئاتری، تقریباً بین سالهای ۱۹۲۷-۱۹۴۴ میباشد. هم در این سالهاست که برشت در آمریکا در حالت تبعید بسر میبرد و همکاری نزدیکی با کارگردان معروف تئاتر اروپایی پستاکور دارد. نمایشنامه "شویک" نیز که نشاندهنده گستاخی عجیب و غریب برشت در بررسی مسائل است، با يك شاه نقش تئاتری (شویک) به این دوره از زندگی او متعلق است. (۴۴-۱۹۴۱) برشت، شویک را چنین ترسیم میکند: "۰۰۰ شویک يك فرصت طلب است. او به هیچ وجه نباید يك خرابکار آب زیرکاه و کلک از آب دربیاید. او فقط و فقط فرصت طلب است، در کمین کوچکترین فرصتهائی که برایش باقی مانده." دست نه اجرای آثار بزرگ نمایشی زدن بدون داشتن آگاهی و تجربه کافی میتواند لطمه بزرگی به اثر نمایشی باشد. اجرای ناصحیح و ناموفق شویک توسط گروه تئاتر بارباد از آن دست اجراهاست. این اجرا نمايشگر عدم آگاهی کارگردان از مقوله تئاتر و تئاترپاییک می باشد.

کارگردان با حذف دو میان برده و يك پیش برده و جایگزین کردن يك برده بزرگ نقاشی شده کهن کل بی معنی می نماید، نمایشنامه را از طبیعت نمایشی خود دور ساخته است. برتولد برشت در نمایشنامه شویک در جنگ جهانی دوم تحت تاثیر دیکتاتور بزرگ (چارلی چاپلین) است. و این تاثیر برشت از چارلی چاپلین دقیقاً در همان صحنهائی تجلی پیدا میکند که توسط کارگردان حذف شده است. برتولد برشت با کاریکاتورسازی در میان پردهها و با استفاده از میان برده در سراسر نمایشنامه هایش به سیستم خود (بیگانه سازی) معنی میبخشد.

کاریکاتورسازی برای برشت دست آویزی است جهت بیگانه سازی بیشتر، چرا که برشت با بیگانه سازی میخواهد که تماشاگر در سالن تئاتر بعنوان داور بنشیند. او گوش نمیکند که تماشاگران را با احساسات درگیر کند. برشت بر این اعتقاد است که هرآن چه در صحنه میگذرد باید با دیده انتقادی نگریسته شود و اندیشه تماشاگر میباید که کنجگاو و بیدار نگاه داشته شود، تا بتوان دنیا را برایش تصویر کرد. وقتی تماشاگر رودرروی واقعه قرار گیرد با استدلال به مرحله شناخت و تمیز میرسد. برشت انسان را انسانی دگرگون شونده و دگرگون ساز می بیند و بر پایه همین اعتقاد است که میگوید: "دنیا را بسه تماشاگران تصویر کنید تا در تغییر آن بکوشند." کارگردان با حذف بخشهای یاد شده و درک اشتباهی از نمایشنامه و سبک کار برتولد برشت، و هدایت

فراوانش در پهنه علوم طبیعی و اجتماعی، از اهمیت فلسفی - ماتریالیستی ویژه ای برخوردار است. او با تلاشی شجاعانه و خستگی ناپذیر در راستای پاسخگویی روشن و مشخص به مسأله اساسی فلسفه، یعنی چگونگی رابطه ماده و شعور (عین و ذهن) و رابطه شعور انسانی با واقعیت جهان مادی خارج و اعتبار شناخت انسانی، گام های اساسی و ارزشمندی برداشت. پیش از پاولوف، دانشمندان دیگری نیز در این رابطه گامهای پرشماری برداشتند که از میان آنها میتوان از "ایوان سجنوف" آرموزگاربا ولوف و "پدرفیزبولوژی روسیه" نام برد. لنین که بعد فلسفی - ماتریالیستی روانشناسی سخت مورد توجه اش بود و تجربیات روانشناسی ماتریالیستی روسیه را دنبال می کرد در "دوستان خلق کیا ننسند و چگونه با سوسیال دموکرات ها مبارزه می کنند"، میگوید: "او (سجنوف) که یک روانشناس علمی است، تئوریهای فلسفی را جمع به روح را بدور انداخته است و مطالعات مستقیم در مورد زیر پایه های مادی پدیده های روانی، یعنی روند عصبی را آغاز کرده است." لنین برای تلاش های پاولوف و دستاوردهای حاصل از آن تلاش ها نیز ارزش بسزائی قائل بود، چرا که پاولوف بدور انداختن تئوری های ارتجاعی و پیوسیده در باره روح را با تکیه به یافته های علمی قابل اتکاء تروبه گونه ای شجاعانه انجام میداد. لنین در ۲۴ ژانویه ۱۹۲۱ اکتساب دستور می دهد که شرایط مناسب برای زندگی پاولوف و همسرش و نیز امکانات کافی برای آزمایشگاه و کارهای پژوهشی اش فراهم شود و ماکسیم گورکی پیشبردا این وظیفه را بعهده میگیرد.

پاولوف که محتوی اندیشگی اش را جهان بینی ماده گرائی و دموکراتیسم انقلابی تشکیل میداد، تحت تاثیر آموزش های فلسفه مارکسیستی، نظریه داروین و دیدگاه های آرموزگار ش سجنوف قرار داشت. او که آگاهی اش در مورد اسلوب دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی کمبودها نداشت، با اتکاء به درک علمی قوی و شیوه شناخت، پژوهش و عملش و نیز با استفاده از چهارگرایش فکری فلسفی و روانشناسی "تداعی گرائی، فیزیولوژی گرائی، آزمایش گرائی و تکامل گرائی" در چارچوب ماده گرائی مونیستی (فلسفه ای که میان روح و ماده جدائی قائل نمیشود و منشاء پیدایش جهان را عنصری واحد میداند)، ضمن کاهش تاثیر کمبود آگاهی ش پیرامون اسلوب دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، همراه با متکامل تر کردن روانشناسی علمی به کشف بزرگ خود، کشف "تئوری بازتاب" های شرطی "نا ثل آمد.

ادامه دارد

نمایشنامه و درهم و سوزدکم بازیگران در کل اجرائی مایوس کننده را باعث شده است. شاید مطالعه بیشتر و دقت در انتخاب کارهای جمع و جورتر و در حد ظرفیت، موفقیت بیشتری را برای گروه تئاتر بارباد بیاورد. از کار ضعیف کارگردان که چشم ببوشیم، در این اجرا از چند نوع بازیگری میتوان یاد کرد. اول، نوعی از بازیگری که بازیگر نقش شویک با اندوخته های نسبی بازیگری خود پیش میرد. او سعی میکند کاریکاتوری هر چند ناخسته از نقش شویک را ارائه دهد، که متأسفانه این مسئله فقط در میمیک چهره او خلاصه میشود. او اصرار دارد که میمیک چهره خود را با طرح آرایش (سرباز دوچهره) همگون و همسان سازد. و باید گفت که از نظر بیان دیالوگها او تنها بازیگری است که شما شاگر گرفته هایش را میفهمد. شاید اگر وسیعتری نمی کرد که تماشاگران را بخنداند، در ارائه نقش شویک موفق تر از این می بود. نوع دوم - نوعی از بازیگری را با زیر نقشش با لون جلومی برد، که اصلاً یک شیوه متفاوتی است. چیزی که او از بالون ارائه میدهد بیشتر تماشاگران را یاد شخصیت های نمایشنامه های چخوف می اندازد تا، شخصیت بالون برتولد برشت. البته بازی در سکوت خوب او در طی اجرا نیز یکی دیگر از تفاوتها است. باقی بازیگران بی امان و سرگردان در صحنه رهاسده اند و هر کسی مشغول کار خود است، که این هنجوع سومی از شیوه بازیگری است. در کل، اجرای شویک توسط گروه بارباد اجرائی است بیگانه با بیگانه سازی.

اکنون حقیقت ساده را بیاموز.

اینک چندان نرنیست.

اکنون الفبا را بیاموز.

این کافی نیست، اما همان زاه بیاموز.

کلی - علی

برشت -

از سرگیری روابط دیپلماتیک با انگلستان

بنا به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، دولت انگلیس بزودی يك ديپلمات در سطح دبیراؤل به تهران اعزام خواهد کرد. در همین رابطه کاردار ایران در انگلیس اعلام کرد که "جو مناسبات دو کشور در حال بهبود است".

دولت انگلیس در حال حاضر تنها کشور اروپایی است که با ایران روابط دیپلماتیک ندارد. مارگارت تاجر، نخست وزیر انگلیس، هفته پیش در اینمورد گفت "دولت وی مایل به ادامه تیرگی مناسبات دوجانبه نیست و اظهار امیدواری کرد که قدمهای سیاسی اخیر دو کشور به بهبود روابط بیانجامد".

و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به مردم ایران هشدار داد که "ما بنا به خود وعده دهید و بفکر خوش گذرانیهایی پس از پایان جنگ و برقراری صلح باشید و فکر کنید پایان جنگ یعنی رفاه طلبی و این معنا به هیچ وجه، مصلحت انقلاب اسلامی نیست". او در همین رابطه اضافه کرد که اگر قبلا ایران تن به صلح میداد "این همه برکات و فیوضات را نداشت" و اگر قبول قطعنامه باخت جنگ باشد قبل از ما صدام ساخته است، زیرا او از اول بدون قید و شرط قطعنامه را قبول کرده است، حالا بازی درمی آورد. پس هم او ساخته و هم ما... او دوسال قبل ساخته و ما حالا لابد برندهای هم نیست".

بازهم قطع اعضای بدن انسان در صلاح خانه فقها

بنابه گزارش روزنامه کیهان مرداد ماه، ۶ سارق مسلح به قطع دست و اعدام محکوم شدند.

این افراد که به اتهام "سرقت مسلحانه" و "تجاوز به عنف" دستگیر شدند، در تالار جنایی دادگستری تهران به ریاست حجت الاسلام قدرتی محاکمه شدند. این افراد همگی در مرحله اول به قطع دست، پرداخت دیه و تعزیر محکوم شدند. پس از اجرای این حکم چهارتن از آنان اعدام خواهند شد. حجت الاسلام قدرتی خود در مورد اجرای حکم این افراد در مصاحبهای به کیهان گفت "دادگاه با شوری طولانی جنایات متهمین را در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد... چهارتن از متهمین را به دلیل ارتکاب زناهی به عنف به اعدام و بخاطر سرقت مسلحانه به قطع ید و بخاطر ایراد ضرب و جرح... به پرداخت دیه محکوم کرد... دو متهم دیگر بدلیل شرکت در سرقت مسلحانه و ایراد ضرب و جرح به قطع ید و پرداخت دیه محکوم شدند و از آنجا که جنایات این عده همراه با ارتعاب و وحشت بوده است کلیه متهمین تعزیر خواهند شد".

نقد هنری در حصار روحانیون

این واقعیتی است که میگویند هنر در شرایطی زبان خویش را برای گفتن پیدا میکند. در جمهوری اسلامی نیز هنر بعد از گذراندن فرساز و نشیبهایی کم کم دارد خود را بازمی یابد. رژیم برخلاف اوائل انقلاب که میخواست هنر را نابود کند، با عدم موفقیت در این زمینه، اکنون سعی میکند آنرا به خدمت خویش درآورده، از آن بفتح خویش بهرهبرداری کند ولی تنگ نظری رژیم چیزی نیست که بتواند در این زمینه نیز یاری اش نماید.

یکی از پدیدههای جالب هنری که اخیرا رژیم از آن احساس خطر میکند پدیده نقد هنری است. ماجرا از این قرار است که با پاکبازی چند نشریاتی و هنری، نقد نیز کم کم وارد میدان شد. ولی دیری نپایید که خشم آخوندها را برافروخت. چرا که آنچه توسط نقادان به نقد کشیده شده بود درست همان چیزی است که رژیم سانسور کرده بود. در همین رابطه است که چند نشریه اعلام کردند که از این پس نقد نخواهند داشت.

نقد فیلم در این عرصه تنگ ترین میدان را دارد. دربی درج چند نقد فیلم در نشریات بخصوص نشریه "فیلم"، این نشریه، نامههایی از کارگردانان مینی برای آنکه مورد نظر نقاد است، درست و آنچه است که توسط وزارت ارشاد سانسور شده، دریافت کرده است و براین اساس است که نشریه "فیلم" اگر تصمیم ندارد نقد فیلم داشته باشد. این خود سانسوری حصری است که هنرمندان برای خویش درون حصری که روحانیون برایشان ساختند، ایجاد کردند. بر این اساس هر چند نمی تواند قابل قبول باشد ولی نشانی است از ورشستگی رژیم در این عرصه.

نیاز خرید فوری برای سفارتخانه

یکمستگاه ویلا یا دو طبقه مستقل با ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ متر زمین ۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر بنا در نیاوران فرمانیه زعفرانیه محمودیه در سطح عالی فوری خریداری میشود

۲۲۰۲۵۳ - ۸۴۸۴

شرکت فرانسوی

برای سکونت و محل کار
نیازمند فوری

ویلاي لوکس تمام مبله بااستخر وتلفن
۱۴۰۰ - آفریقا - زعفرانیه فوراً نیاز

۲۲۴۵۴۲

دیپلمات خارجی

نیاز به یک ساختمان
برای سکونت و محل کار

۲۵۸۱۸۸ - ۱۰۱۴۳
۶۵۰۸۵۲

مورد نیاز

شرکت اروپایی
آپارتمان - ویلا
جهت سکونت یا محل
۲۲۲۳۵۵ - ۸۳۳۷

مورد نیاز اجاره

شرکت ژاپنی
جهت سکونت بهویلا/آپارتمان
مبله یا غیر مبله در شاهشهر
نیازمند است
۲۳۱۳۳۸ و ۲۳۱۳۷۰
۹۳۷۱

مورد نیاز اجاره

شرکت اروپایی
آپارتمان - ویلا
جهت سکونت یا محل کار

ایران: میعادگهی تازه

این نوع آگهی ها نیز فراوان خواهد شد. آنان می آیند تا آنچه را که از دست دادند دوباره باز یابند.

آگهی هائی که مشاهده میکنید تنها نمونههایی هستند از يك شماره کیهان. اخیرا هر روز مطبوعات ایران شاهد تعداد فراوانی از این نوع آگهی هاست. طبیعی است با گسترش روابط ایران با دول امپریالیستی

چاپ کتاب از دید آمار

درشما هاول سال ۶۶ با زیرنزولی بيمودوبه ۴۵٪ رسید. در این سال (شما هاول) از ۳۱۰۳ عنوان کتاب تنها ۹۵۳ عنوان چاپ او. بودند. درکتا راین آمار به این نکته باید توجه داشت که اکثر این عنوانها، کتابهای مذهبی می باشد.

در سال ۱۳۶۴ جمعا ۵۲۳۳ عنوان کتاب در ایران چاپ شده است که از این تعداد تنها ۵۷٪ آن یعنی ۲۹۷۲ عنوان چاپ اول بودند. این رقم در سال ۶۵ به ۴۹٪ برای چاپ اول رسید. یعنی از ۳۹۸۰ عنوان کتابی که در این سال از چاپ خارج گشت، تنها ۹۸۰ عنوان چاپ اول بودند. این رقم


تصحیح و یوزش:

در پیام کارگر شماره ۲۴ عنوان "بنیانگذاری" به غلط "بنیانگاری" چاپ شده، که بدینوسیله اصلاح میشود. همچنین شعر ناظم حکمت به نام "آنها"، ناقص چاپ شده است که در اولین فرصت اصلاح شده آن درج خواهد شد.

موسوی اردبیلی: هم صدام ساخته و هم ما

موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور رژیم در خطبههای نماز جمعه تهران، در رابطه با پایان جنگ

با پیام کارگر
همکاری کنید!



اوین، جاده‌های از شمشیر

-۵-



سعی می‌کردند در کمترین زمان از توالیت خارج شوند که همه بتوا شدند بروند ولی پس از ۳۰ ثانیه مسئول بندبنا لگدیه در توالیت می‌زد که محکم می‌خورد به آدم و با تحقیر قریباً دم‌زدن بیا بیرون. در این فاصله با دیدن طرفهای غذا را می‌ستیم همینطور کهنه بچه و درست بعد از نیم ساعت در بسته شد. سه ساعت بعد در راه با زکرت که بروی دستشویی!! و دفعه سوم ساعت ۴ صبح و این فاصله عتی هر روز تکرار می‌شد فاصله یکبار ۱۲ ساعت.

یکی از بچه‌ها نمی‌توانست در راه رکنند که به بهداری برده و سوزند زدن تا ۱۵ روز در راه بسته شد و آنها شی که تا بحال نا را حتی کلیه و مثانه نداشتند گرفتند و تا زه پس از زدن در آن چند نفری را که تورا بین دیده بودند شیرینی درست می‌کنند را نیز برده و پس از دوروز با پایهای شکسته شده آوردند. تلویزیون اتاق ما هفت ماهه نماند.

خوشبختانه پس از زدن در راه تا قمان برای زایمان به بهداری رفت. بدلیل آنکه موقع دستگیری تا زه ما مله بود ۷ ماهه در آن فردی بود و بعد هم ممنوع الملاقات، خانواده اش نمی‌دانستند او را مله است. یک هفته قبل از زایمانش به او و لیمن ملاقات رفت و خانواده بلافاصله برای بچه لباس آورد. در صورتیکه از چند ماه قبل مرتب به مسئولین زندان می‌گفت که به خانواده اش بگویند. موقع زایمان هیچی برای بچه نداشت. حتی خودش لباس حا ملگی نداشت و بچه‌ها با پارچه‌های لباس خود برای او لباس دوخته بودند. وقتی او را برای زایمان بردند فکر کردیم او چگونه می‌خواهد بچه را از بهداری بیاورد؟ تنها یک سوزن در اتاق بود با اصرار زایمان دیگری رفتیم و شروع به پاره کردن لباسهای نو خود کرده و با آنها لباس نوزاد دوختیم. یکی از پنتوها را با سخی پاره کردیم. قیچی نداشتیم و فقط از قوطی کرم "تیزی" درست کرده و یک تشک و لحاف برای بچه درست کرده و روی آنها را با پارچه لباس نو ملافه کردیم. پس از یکروز مادر به همراه نوزاد می‌گفت که در یک پارچه پیچیده شده بود. آمدن حتی لباسهای دوخته شده ما را برای او نبردند. وقتی وارد اتاق شد و لباسهای دوخته شده را دیدن توانست جلوی اشکهای خود را بگیرد. می‌گفت همیشه هر مادری تولد اولین فرزندش را قراموش نمی‌کنند. من تا آخر عمرم قراموش نمی‌کنم. از وضعیت بهداری می‌گفت که وحشتناک بوده. یک ما ما با کمترین امکانات بچه را بدنیا می‌آورد که دنیا بد هیچ صدمه در هر وضعیتی که بود کارهای خود و بچه را انجام می‌داد و توجه به اینکه وضعیت آنجا بسیار غیر

تمیز کردند و همگی لباس نو با رنگهای شاد پوشیدیم و با عجله در صف دستشویی بودیم که قبل از سال تحویل در اتاق با شیم. عده‌ای نیز در حال صبحانه خوردن که دیدیم عده‌ای خواب با کمک مسئول بند (بختیاری معروف) با دادن شام مغول و ار وارد اتاق شدند و مشتها را جلوی چشمان ما می‌گرفتند و تهدید می‌کردند و مرگ بر کمونیست و... ما با شیطندی نگاهشان می‌کردیم و با لایحه ساکت شدند. مسئول بند شروع به فحاشی کرد و بچه‌ها شی که هنوز دستشویی نرفته بودند با عجله بطرف آن دویدند و بقیه بچه‌ها خارج از نوبت اجازه دادند تا قی - های... (متأسفانه قسمتی از گزارش از بین رفته است) سفره هفت سین را به همراه سبزه و گل و شیرینی و تلویزیون و غیره را بردند و با فحش و داد و کله تاساق ۶ بروند و بلافاصله در اتاق بسته شد. مادر سکوت سنگینی که بر اتاق حکم فرما شده بود سال ۶۲ را آغاز کردیم. به همراه زدن در آن آذوقه‌ای که همیشه پس از کلی انتظار را فروشگا و زندان می‌خریدیم. ساعتها می‌گذشت و یکسری از بچه‌ها احتیاج به توالیت داشتند. هر چه در می‌زدیم کسی اعتنا نمی‌کرد. دوستانمان در اتاق دیگر زباله‌ای در برابرمان آب می‌آوردند که آشامیدیم. تا ساعت ۴ بعد از ظهر اصلاً خبری نشد. انگار رنده نگار که ساعت گذشته و احتیاج به توالیت است. بخصوص که کاشرا ناراحتی کلیه داشتند و شروع کردیم بلا نقطه بعد کوبیدن. ساعت ۴/۵ در با زشو ظرف غذا را آوردند. ما گفتیم اول می‌رویم دستشویی گفتند همیشه. گفتیم غذا نمی‌خواهیم گفتند عتماً ب غذا حساب شده و با شما بدتر خوردخواهیم کرد. تا غذا را نخورید و ظرف خالی را ندهید در با ز نمی‌شود. تصمیم گرفتیم بخوریم و آنها شی که وضعتان خیلی خراب است نخورند و غذایشان را در جایی مخفی کنیم. ظرف خالی را بیرون فرستادیم. بعد از آمدن در، این مرتبه فلاسک چائی آمد که با یاقین را خالی تحویل بدهید. او قیاً قیاً به وضعیت بچه‌ها اسفناک بود. عده زیادی از در به خود می‌پیچیدند و بقیه هم با حالت عصبی و متشنج با همه رنج آن را خوردیم چون عده‌ای طوری وضعشان شده بود که حتی نفس می‌کشیدند از درد بخود می‌پیچیدند بنا بر این قرار شد عده‌ای که هنوز در آن وضعیت نیستند و کمی بهترند چائی اضافه بخورند. با توجه به اینکه در اتاق ما چندین مادر پیر. یک زائوسو مادری که روزهای آخر بار داری را می‌گذرانند وجود داشت. با لایحه ساعت ۷ بعد از ظهر بعد از ساعت ۱۲ ساعت عده‌ای نیز نتوانسته بودند صبح به دستشویی بروند. در با زشو برای رفتن به دستشویی. مسئول بند با فریاد و فحش و تمسخر و توهین گفت ۳۰ دقیقه وقت دارید. برای نزدیک ۹۰ نفر. با اینکه همه

یکه ز صبح خیلی زود حدود ساعت ۴ و ۵ با صدای بلندی که از حیاط بند می‌آمدید آمدیم. دختری همینطور بلند آنگار به بچه‌ها درس می‌دهد حرف می‌زد. اعداد را می‌شمارد. حروف الفبا فارسی و انگلیسی... و هر چند گاه فریادی بر سر بچه‌های که به درس گوش نمی‌دهد. از آنروز به بعد هر روز همسان موقع با صدای او بیدار می‌شدیم. همینطور مستقیم روبروی خود را نگاه می‌کرد و حرف می‌زد. پس از مدتی فهمیدیم او صبح تا شب و شب تا صبح در بند همینکار را می‌کند و آنقدر بچه‌های بند پاشین را کلافه می‌کنند که صبح زود او را به حیاط می‌فرستند. پس از مدتی او نیز جزو مفقودین بود.

یکروز با صدای جیغ دختری از بند پاشین بطرف پنجره اتاق رفتیم. شیشه‌ها را رنگ زده بودند و ما به اندازه یک چشم‌رنگ آنرا پاک کرده بودیم. دیدیم دختری می‌خواهد بیا بدببیرون و عده‌ای نمی‌گذارند. فردای آنروز دوباره دیدیم می‌خواهد بنده زور همان دختری که خودش را به حیاط رسانده به داخل بند آورد و او را در آنجا بسته و او می‌چارد. می‌اندازد و اصلاً لباس به تن ندارد. فهمیدیم او نیز جزو دیوانگان است که نمی‌دانیم چرا؟ ولی او هر روز می‌خواست خود را به هوا خوری برساند و ولخت شود و چون دور تا دور هوا خوری پا سادها بودند. نمی‌گذشتند.

یک مادری را آوردند. او نیز مرتب دور اتاق راه می‌رفت و به بچه‌ها نمره ضابط می‌داد که مثلاً ناخن تو کمی بلند و لبها سهایت نامرتب است پس نمره ضابط فلان می‌شود پس از مدتی از صبح تا شب لباسهایش را زیر بغل زده و راه می‌افتاد و بطرف در بند که منو صدا زده اند و قرا راه آزاد شوم. حتی نیمه شب به زور او را می‌خواستند و او با عصیانیت داد می‌زد که شما نمی‌فهمید اگر نروم دیگر مرا آزاد نمی‌کنند و او نیز پس از چندین ماه از بند ما رفت.

عید در راه بود و ما هم خود را آماده می‌کردیم! با دستمال کاغذی‌های رنگی گل‌های زیادی درست کردیم و از سهمیه شام چند تخم مرغ را نگاه داشتیم و شب قبل از عید نیز چند تا از بچه‌ها از سهمیه خرما و انجیر تصمیم گرفتند شیرینی درست کنند بدین صورت که آنها را خیس کرده و له کردند و بین ناخن که قبلاً در بین شوقا خشک کرده بودند گذاشتند. البته به آخر کار نرسیدند. این کارها از چشم‌توا بین دور نشاند بود. و آنها از شب قبل در راه و نوحه می‌خواندند و میگفتند ما عید نداریم. صبح از اول وقت دسته سینه زنی راه انداختند که جنگه و ما عید نداریم و ما اعتنا نمی‌کردیم. ساعت ۸ صبح سال تحویل می‌شد و بچه‌ها اتاق را

پاکستان

پیوند با متحصنین

پلیس پاکستان می افتد. او بدو بطرف پلیس رفته و با پرداخت مقادیری رشوه از پلیس میخواد که چند تن از ایرانیانی را که به او "توهین" کرده بودند، دستگیر نماید. پلیس پاکستان نیز اقدام به دستگیری چند تن از پناهندگان ایرانی میکند. در قراقره پلیس، از ایرانیان پناهنده به زور خواسته میشود که از مسزور رژیم عذرخواهی کنند. همچنین پلیس پاکستان "انجمن فرهنگی ... را به بهانه" عدم رعایت شئون اسلامی در مراسم، اجرای برنامه کونیستی و توهین به دولت پاکستان به دو هزار روپیه جریمه محکوم میکند. "انجمن فرهنگی پناهندگان" نیز جهت جلوگیری از سواستفاده رژیم پاکستان، با پرداخت "جریمه" اقدام به آزادی ایرانیان دستگیر شده میکند و قضیه را فیصله میدهند.

بیانیه "معترضین ۲۴ ژانویه" - اجرای چند سرود انقلابی توسط گروه کر - اجرای سه نمایشنامه - موسیقی و آواز فارسی - موسیقی لری، بلوچی و ارضی - برنامه "کودکان - رقص تاسه آبادی و یک ترانه" شمالی - تکنوازی نی و کمانچه، و بالاخره رقص قوجانی در حاشیه این مراسم سائلی بوجود آمد که در زیر مختصراً به آن اشاره میکنیم: در حین اجرای برنامهها، پناهندگان بلوچ ایرانی متوجه حضور یکی از مزدوران شناخته شده رژیم ایران (که در زمان شاه نیز ساواکی بود و اهل سراوان بلوچستان میباشد) در میان تماشاگران میشوند. جریان را فوراً به انتظامات اطلاع میدهند. در بازرسی بدنی از مزدور رژیم، علاوه بر سیبورت، جواز حمل اسلحه (صاحبه) از طرف سپاه و همچنین نامهای برای وزارت کشور پاکستان پیدا میشود. مزدور فوق در هنگامه بحث با چند تن از ایرانیان پناهنده، چشمش به یکی از افسران

در روز ۱۳ جولای، کراچی شاهد اجتماع بیش از ۴۰۰ نفر از ایرانیان پناهنده در یکی از سالنهای تئاتر شهر بوده است. این مراسم هنری و فرهنگی که به همت "انجمن فرهنگی پناهندگان و آوارگان ایرانی - کراچی" سازماندهی شده بود، تجلی استواری بود از پیوند و همبستگی پناهندگان ایرانی با "معترضین ۲۴ ژانویه". لازم به تذکر است که حدود ۲۰ آواره ایرانی، بمدت ۶ ماه است که در جنب دفتر UN شعبه "کراچی، برای دستیابی به حقوق پناهندگی، نسبت به اعتراف و تحمین زنداند. اما مقامات UN کراچی در نهایت بی - مسئولیتی، تاکنون جواب مثبتی به تقاضاهای معترضین ۲۴ ژانویه" ندادهاند. مراسم هنری - فرهنگی ۱۳ جولای بلحاظ تنوع و کیفیت، نسبتاً مطلوب برگزار شد. در این مراسم برنامههای متنوعی بر روی صحنه آمد که عبارت بودند از: بیانیه "انجمن فرهنگی ..."

اعتراض علیه کشتار روحشیا نه

۲۹۰ مسافروا پیمای غیرنظامی

سوئد

بمنظور اعتراف بر علیه جنایت امپریالیسم امریکا در خلیج فارس و جنگ طلبی رژیم جمهوری اسلامی، رفقای ما در گوتنبرگ در روز شنبه ۱۴ ژوئیه ضمن برگزاری میز کتاب در مرکز شهر دست به یک آکسیون افشاگرانه در همین زمینه زدند. در این آکسیون که بیش از سه ساعت بطول انجامید، تعداد کثیری از اعلامیه کمیته خارج از کشور سازمان در مورد این جنایت به زبانهای فارسی و سوئدی در بین مهاجرین و پناهندگان ایرانی و شهروندان سوئدی پخش گردید.

در همین رابطه از سوی گروهی از پناهندگان ایرانی و شیلیایی در شهر راد سوئد راهپیمایی به تاریخ ۱۲ ژوئیه صورت گرفت. راهپیمایان در پایان قطعنامهای علیه رژیم جمهوری اسلامی، جنگ و تجاوزات امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس صادر کردند.

آمریکا

در روز چهارشنبه ۶ ژوئیه تظاهراتی در شهر دالاس آمریکا در اعتراض به کشتار ۲۹۰ مسافر هواپیمایی ایران انجام پذیرفت. در این تظاهرات که بدعت کمیته دانشجویان ایرانی در دالاس صورت گرفت، عموم نیروهای مترقی ایرانی و بخشی از نیروهای مترقی آمریکایی شرکت داشتند. مهمترین ویژگی این تظاهرات اتحاد عمل و همیاری نیروها بود بطوریکه کلیه شرکت کنندگان با یکپارچگی بیسابقهای به اعتراف به حرکت جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و نیز سیاست های جنگ افروزانانه جمهوری اسلامی برخاستند. اعتراف به حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، محکوم کردن جنگ ایران و عراق و شعار سرنگونی جمهوری اسلامی محور اصلی شعارهای تظاهرکنندگان را تشکیل میدادند. از آنجا که این آکسیون در یکی از پررفت و آمدترین اماکن شهر برگزار گردید، تظاهرات مورد توجه شمار کثیری از مردم قرار گرفت و در بخشی از مطبوعات شهر انعکاس یافت. موفقیت این حرکت جمعی تاکید دیگری است بر ضرورت اتحاد عمل نیروها و عناصر مترقی حول اهداف مشترک.

تشکل یابی پناهندگان بلوچ در کراچی

اخیراً پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی مقیم کراچی، جهت دفاع از حقوق مسلم پناهندگی خویش (که UN کراچی به بهانه "نزدیکی فرهنگی این دستکاز پناهندگان ایرانی با بلوچهای پاکستان، از برسمیت شناختن آنها خودداری میوزد) دست به تشکیل "کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی" زدند. پناهندگان بلوچ بابریایی مجمع عمومی، اعضای کمیته هماهنگی تشکل را انتخاب نمودند و در اولین اعلامیه خویش که تاریخ ۱۳/۷/۱۹۸۸ صادر گردید، به بررسی وضعیت اسفبار پناهندگان بلوچ پرداختند. در قسمتی از اعلامیه "مژبور چنین میخوانیم: "ما می پرسیم چه کداهین قوانین UNHCR با سواد بودن ملائحت پناهندگی ومهاجرت است؟ در کداهین قوانین UNHCR نزدیکی فرهنگی داشتن باعث میشود که افراد از حمایت UNHCR محروم گردند؟ دولت پاکستان از برسمیت شناختن پناهندگان ایرانی خودداری میکند، دست تروریستهای رژیم ایران در سرکوب و بنه مخاطره انداختن زندگی و امنیت پناهندگان و آوارگان بطور عام و پناهندگان و آوارگان بلوچ بطور خاص، باز است (همین دو ماه پیش یک پناهنده بلوچ در کراچی ترور شد)، پناهندگان آوارگان بلوچ از امکان تحصیل و داشتن شغل و کار، و حتی انجام سفر و ... محرومند"

علیه استرداد پناهندگان ایرانی
ها نوفر - آلمان فدرال

در اعتراض به عمل جنایتکارانه دولت ترکیه در استرداد پناهندگان ایرانی به ایران که خبر آن در همین شماره پیام کارگردار شده است، از سوی کانون پناهندگان سیاسی شهرها نوفر بمدت ۲۴ ساعت در تاریخ پنجشنبه ۲۵ اوت در مقابل کنسولگری ترکیه در این شهر آکسیون اعتراضی ترتیب داده شده است.

ما ضمن حمایت از این اقدام بموقع کانون پناهندگان هانوفر، از شما می کانون های پناهندگی دعوت میکنیم که دست به اقدامات مشابه بزنند و با افشای دولت ترکیه مانع از اقدامات ضد انسانی شوند.

مردن در اینجا را ترجیح می دهیم

پناهندگان ایرانی که در ۲ اوت خیر پس فرستادن خود را شنیده بودند اضافه کردند: اگر وضعیت بخواد به همین صورت ادامه پیدا کند و تحویل ما به جنایتکاران رژیم تحقق یابد ما در همینجا خود را آتش خواهیم زد. "ما مردن در اینجا را به اعدام در ایران ترجیح میدهم." "ما بخاطر جان خود از کشورمان فرار کردیم نه پس فرستادن به ایران". منشی مسؤل حزب SHP در وان آریف آگار در حالیکه اظهار میداشت پس فرستادن فراریان زیر پا گذاشتن حقوق انسانی است، گفت ایرانی های فراری که به ساختمان حزب پناه آوردهاند تا زمانیکه از مرکز حزب جواب نیامده مهمان ما خواهند بود. در ادامه این ماجرا، پناهندگان طی تلگرامی به رئیس جمهور و وزیر کشور ترکیه خواستار آن شدند که بتوانند به یک کشور سوم مهاجرت کنند. این برای چندمین بار است که دولت ترکیه بپیمانته پناهندگان ایرانی، را بجزوبل ایران می دهد.

اوین جاده های از ...

و کشف بود خود ما در ترجیح می ده در همان ساعت های اول به بند آورده شود. در اتاق رفقای اوسعی می کردند هر کدام کارهای شستن کهنه بچه و یا آب گرم برای شستن بچه را انجام میدهند مدت که حال مادر بهتر شود. غذا برای ما درزا شوهیج فرقی نمی کرد، همان غذای بدون کیفیت، خود بچه های اتاق برای ما در دو سه تمسیم می کردند. در اتاق ۹۵ نفره با دو پنجره کوچک دوشوزا دنیز بودند که شبها وقتی بیدار شده و گریه می کردند بچه را ما در دست و پا پیش را گم می کرد و سخت در عذاب قرار می گرفت که بچه اش همه را بیدار کرده و هر چه همه با او می گفتند آخه مگه میشه جلوی دهن بچه نوزاد را گرفت بگذازگر بگریم کندی خود ما در معذب بود.

مصاحبه با مندی نزیسیما یکی از رهبران کنگره ملی آفریقای جنوبی



(این مصاحبه هنگام راهپیمایی ۲۵۰ هزار نفره در سالگرد تولد ماندلا و با شعار آزادی ماندلا و کلیه زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی در لندن به دعوت سازمان فارتا بدترتیب داده شد.)

سوال - نقش و جایگاه نلسن ماندلا (Mandela) برای مردم و انقلاب آفریقای جنوبی چیست؟
ج - ماندلا تجسم آرزوهای فرهنگی مردم آفریقای جنوبی است. او برای صلح، برای عدالت، برای برابری انسانها و برای آن اصول پایه که در منشور حقوق بشر آمده است ایستادگی میکند. این است آنچه او نمایندگی میکند. انقلاب آفریقای جنوبی او را بعنوان تجسم زنده تعهد، استقامت و عزم معرفی میکند. ایسن آن پدیدتست که ماندلا تجسم آن است. وقتی شما اشکال متنوع مبارزاتی که توسط توده مردم آفریقای جنوبی به پیش برده میشود را مشاهده می کنید اینها گسترش همان اشکال مبارزاتی هستند که ماندلا سالها پیش یعنی در سال ۱۹۴۹ به آن می اندیشید. این اشکال مبارزاتی تا به امروز زنده ماند و اهمیت ماندلا از اینجاست.

سوال - دستاوردهای سالهای اخیر انقلاب آفریقای جنوبی چیست؟

جواب - ما هنوز قدرت را بدست نیاوردیم. ساده نگریست اگر فکر کنیم مبارزه ما سهلا یا کوتاصدت خواهد بود. ما مبارزاتی بس طولانی در پیش داریم. ولی آنچه بدست آورده ایم اتحاد مردم است، آنچه که بدست آورده ایم عزم را سخ مردم ما است، آنچه که بدست آورده ایم جسارت بی همتای مردمی است که با قدرت موجود در کشورمان، قدرتی بی رحم و بدون تعطف ف مقابل می کنند.

اینهاست آنچه ما بدست آوردیم. امروز در برخی از شهرک ها میتوانید ساختارهای قدرت تودهای، قدرت خودگردانی مردم را پیدا کنید، تشکلهایی که تلاش مردم را برای پیشبرد مبارزه سازمان میدهند تشکلهایی که تلاش مردم برای خودآموزی را به پیش میبرند. اینها

دستاوردهائی هستند برای پیشبرد مبارزه. امروز ما میتوانیم یک تظاهرات عمومی و یک اعتصاب را فرابخوانیم، ماندااعتصاب معدنچی ها و یا در صنایع. اینهاست دستاوردهای ما برای پیشبرد مبارزه. یک سلسله عملیات نظامی توسط توده های مردم که قبلا امکان ناپذیر بودند را ملاحظه کنید. اینها اکنون امکان پذیرند زیرا امروز بخش نظامی کنگره ملی آفریقا (پیام پسر ملت) به اقصی نقاط آفریقای جنوبی دسترسی دارد. و چون زیر پوشش حمایت تودهای قرار گرفته قادر است حمله به دشمن را هر زمان که اراده کند و هرکجا که بخواهد سازمان دهد. این یک دستاورد است.

سوال - همانطور که اطلاع دارید در ایران دهها هزار زندانی سیاسی وجود دارد. همین الان که صحبت

میکیم ۴۰ هزار نفر از این زندانیان سیاسی زیر حکم اعدام هستند. تاکنون تعداد زیادی اعدام شده اند. پیام شما برای نیروهای انقلابی و دمکرات که در ایران برای آزادی مبارزه میکنند چیست؟

جواب - آزادی پدیدتست غیرقابل تجزیه. در هر کجای دنیا آزادی ارزشمند است. وقتی برای آزادی مبارزه میکنید، برای زیستن می جنگید وقتی برای آزادی مبارزه میکنید برای دنیائی بهتر می جنگید، وقتی برای آزادی مبارزه می کنید برای حق اثبات انسانیت خود می جنگید. براین اساس در هر کشور مشخصی مبارزه برای آزادی باید توسط تمامی کسانی که آزادی را گرامی میدارند و برای آزادی می جنگند مورد حمایت قرار گیرد.

گزارش جنگ

از: ها یئرنیش شروتر

به بلندی های "اشپایشر" یورش بردند
یک سرنیزه
سینه او را درید
واودریک بیما رستان ارتشی جان سپرد.
پدر من
در سال ۱۸۷۱ متولد شد
در سال ۱۹۱۴ در "تاشن برگ" و در سال ۱۹۱۶
در "وردوم" می جنگید
آتش یک مسلسل
شکم او را هم درید
واودر صحنه نبرد گذشته شد.
من
در سال ۱۹۱۷ متولد شدم
از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵، در جنگ جهانی دوم

بدرجدم
در سال ۱۷۹۶ متولد شد
در سال ۱۸۱۵، همراه با ارتش پروس
در نبرد "واترلو" شرکت جست
یک نارنجک
پای چپش را خرد کرد
واوبا چوب زیر بغل به خانه اش با زکشت.
بدر بزرگ من
در سال ۱۸۴۲ متولد شد
در سال ۱۸۷۰، در جنگ میان آلمان و فرانسه

چه چیز در انتظار آنهاست؟

ترجمه: به

معرفی کتاب :

ملاحظات در تاریخ ایران،

اسلام و "اسلام راستین"

نویسنده: علی میرفتوس

در ۲۱۷ صفحه - قطع : وزیری

"ملاحظات در تاریخ ایران، اسلام و "اسلام راستین" رساله‌ای است تحقیقی که بهمت علی میرفتوس تألیف و تحریر شده است. در این رساله، علی میرفتوس با زبان یک محقق، تاریخ ایران و اسلام را در سه فصل مورد ملاحظه قرار داده است. فصل نخست مشتمل است بر: "نکاتی درباره علل تاریخی عقب ماندگی های اقتصادی - اجتماعی و گسترش فرهنگی جامعه ایران" بویژه: "هجوم های متعدد اقوام و قبائل نیمه وحشی و حملات ویرانگر شایر چادرنشین، حمله اسکندر، اعراب، مغولها، کتابسوزان های "مکسر مهاجمین"، جنگ ها و ... کشمکش های فرقه های مذهبی عامی در ویرانی و قتل و غارت شهرهای مهم ایران".

نویسنده در فصل دوم این رساله نیز آثار و متون متعددی را مورد مطالعه قرار داده است و بطور مستند - اما به ایجاز - شمهائی از تاریخ ایران و اسلام را پیش چشم خواننده میگذارد، که در واقع تاریخ تسلط اسلام بر ایران و چگونگی این تسلط یابی است. او در این فصل بر پایه "مجموعه" اشتناد و ملاحظاتی، این تر را که: "فرهنگ ایرانی از بنیاد و ناگزیر در تحولش دینی بوده، (پس) نفوذ و گسترش اسلام در ایران، امری طبیعی و ناگزیر (بوده است)" و یا "اسلام رابا آغوش باز پذیرفتند" ... بی اساس دانسته و مردود میسازد. تز علی میرفتوس در این مورد چنین است: "اسلام بر کشورهای اشغال شده (خصوصاً در ایران) اساساً از طریق اعمال "قهر و خشونت"، قتل عام های گسترده، ایجاد ترس و وحشت و از طریق انواع فشارهای مختلف اجتماعی و خصوصاً اقتصادی (مثل خراج و جزیه) مستقر شده است." رجوع علی میرفتوس به متون و منابع معتبر تاریخی، برای مخالفین تر او و همچنین کسانی که در این زمینه مطالعه لازم را ندارند، تحقیق و تأمل و استنادات بیشتری را ضروری ساخته است.

فصل سوم این رساله، مشتمل است بر: رابطه دین و دولت، در انقلاب مشروطیت و برخورد جنبش سوسیال دمکراسی در ایران با دین. القاط ماتریالیسم و ایدئالیزم در جنبش مارکسیستی ایران، آل احمد و "اسلام راستین" رفرم ارضی ۴۲ و رشد خردسپوزواری مدرن شهری. تغییر در ساختار فئودالی جامعه و از دیدگاه روحانیون سنتی - مرتضی مطهری، علی شریعتی و پیدایش "اسلام راستین" نقش علی شریعتی در پیدایش جمهوری اسلامی. ماهیت اختلاف اسلام خمینی و مطهری با شریعتی و مجاهدین و وجوه اشتراك آنها.

آزادی و دمکراسی در نظام اسلامی. امامت، امت و جامعه بی طبقه" توحیدی. انقلاب ایدئولوژیک مجاهدین "اسلام راستین" و جدائی دین از دولت. "اسلام راستین" و توتالیتریزم. نتیجه و پایان سخن.

در این فصل علی میرفتوس اسناد متعددی را از گرایشات مختلف، دستجات و فرقه های رنگارنگ اسلامی مورد استناد قرار میدهد و در مقایسه با هم نشان میدهد که این فرق مختلف علیرغم برخی تفاسیر و

افتراقات در تبیین، اختلافاتی اساسی یا "ریشهای" و "جوهری" ندارند. اختلافات در "شکل بیان و یا به نقل از دکتر شریعتی: ("اختلاف در ظرف های بیانی، شکل و شیوه و نوع کوشش در احیا و نشر حقایق ثابت و لایتغیر اسلامی و شیعی "میباشد") مثلاً او میگوید: "اختلاف اسلام شریعتی، بنی صدر و مجاهدین با خمینی، طباطبائی و مطهری در "شکل" استفاده از اهرم مذهب، در "شکل" استفاده از "جهالت" توده ها، در "شکل" انغام "دین و دولت" در حاکمیت سیاسی ست: یکی خواستار "ولایت فقیه" ملاها" ست و دیگری (در نهایت) خواستار "ولایت فقیه" مگلاها" اسلام خمینی و مطهری تنها به شمشیر و شکنجه و شلاق تکیه میکند و اسلام شریعتی و مجاهدین: به شمشیر و شکنجه و شلاق و شیرینی."

نویسنده در پایان این بحث از رساله، وجه اشتراك افکار همه گرایشات اسلامی را، ام از خمینی، طباطبائی، مطهری و یا طالقانی، شریعتی و مجاهدین، در سه اصل زیر خلاصه میکند:

- ۱- جوهر ضد مارکسیستی و ضد کمونیستی (فلسفی و سیاسی آن)
- ۲- خملت "مدرسی" (ضدیت با مظاهر تمدن غرب و نفی فلسفه سیاسی، آزادی و دمکراسی غربی)
- ۳- ارائه نوعی "ولایت فقیه" و استقرار یک دیکتاتور "توتالیتر" در عرصه حاکمیت سیاسی.

نویسنده در بخش دیگری از همین فصل بر پایه "مطالعه تطبیقی آرا" نظریه پردازان و "اسلام راستین" با "توتالیتریزم" فاشیستی دموکراتیک میکند:

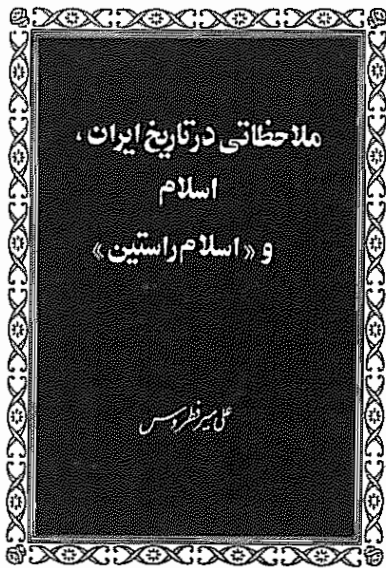
- ۱- وجود یک "شخصیت گیرا" ... "کیش شخصیت" (اصالت رهبر)
- ۲- ایدئولوژی فراگیر برای "تشریح" تصمیمات پیشوا
- ۳- اعتقاد به گمراهی و نادانی اکثریت مردم جامعه
- ۴- کنترل و سلطه گسترده پلیس سیاسی و نفی تلرو شخصی و خصوصی افراد.
- ۵- ایجاد همصدائی و "وحدت کلمه"
- ۶- "بسج" و "بسج تودعی"
- ۷- ایجاد "جامعه بی طبقه" (شعار)
- ۸- ضدیت با آزادی و دمکراسی
- ۹- ضدیت با روشنفکران

۱۰- اقتباس در استفاده از واژه ها و مفاهیم سایر مکاتب فلسفی و جامعه شناسی

بدنبال توضیح بند بند مفاد فوق، نتیجه و پایان سخن آمده است:

در این قسمت پانزده نتیجه گیری یا جمع بندی ارائه میشود که جملی حاصل یا چکیده گفتارهای سه فصل این رساله تحقیقی هستند. از جمله این جمع بندی ها:

...
... حمله اعراب به ایران - چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی، اجتماعی - مهتر و مؤثرتر از حملات اقوام دیگر (نظیر اسکندر، مغولها، غزها، تیموریان و ...) بوده است چرا که ... اعراب با "شمشیر" و "قرآن" ... کوشیدند تا با اشغال نظامی ایران، استقلال و "شکل سیاسی" حکومت ایران را نابود کنند. ... و از طرف دیگر تلاش کردند تا با قرآن و اسلام "ملت ایران" را در "امت اسلام" و دین و فرهنگ و زبان و خط ایرانی را، در دین و فرهنگ و زبان و خط عربی "حل" کنند.



- اسلام - اساساً و خصوصاً - از طریق توسل به "قهر" و خشونت و کشتارهای گسترده و با تحمیل انواع فشارهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ... وارد ایران شد (۰۰۰)

پیدایش "اسلام راستین" و "تشیع سرخ علوی" از اوائل سالهای ۱۳۳۰ و خصوصاً با رفرم ارضی - اجتماعی شاه در سال ۴۲ و با رشد خردسپوزواری مدرن شهری ... همراه بوده است. همه انواع "اسلام راستین" خواستار بازگشت به "حکومت صدر اسلام" ... میباشد و کوشش میکنند تا "دگم" ها و باورهای دیرین خویش را با توسل به علم، فلسفه و جامعه شناسی مدرن ... ابراز نمایند.

... فلسفه سیاسی "اسلام راستین" (در همناشکال آن) اعتقاد به ولایت (سرپرستی) و گردن گذاشتن به سلطه مطلقه "امام" یا "پیشوا" است.

جامعه آرمانی نظریه پردازان "اسلام راستین" و "تشیع سرخ علوی": "امت" نام دارد. "امت" در حقیقت یک جامعه اعتقادی ست. سلطه یک "ایدئولوژی عام و فراگیر" که تنها بوسیله "امام" یا "پیشوا" قابل تعبیر و تفسیر و تغییر است - تمام حیات اجتماعی - سیاسی و همه عرصه های فعالیت هنری، فرهنگی جامعه را میپوشاند، (۰۰۰)

- "اسلام راستین" و "تشیع سرخ انقلابی" در جامعه شناسی سیاسی امروز، خود را در نوعی "توتالیتریزم" (فاشیسم و نازیسم) بنمایش میگذارد. آنچه که مسا - امروزه - در ایران شاهد آن هستیم، تجلی عینی این مدعا ست.

علی میرفتوس منابع و مأخذ تحقیق خویش را نیز در پایان رساله در ۱۸ صفحه ذکر کرده است و بدنبال آن، نامهای تاریخی، جغرافیایی و اسامی فرقه ها، نشریات و مقالات را بترتیب حروف الفبا در ۱۹ صفحه ضمیمه بخش "فهرست راهنما" ی رساله نموده است.

ما صرف نظر از اینکه چه انتقادات و یا نظری درباره این یا آن تر و یا نکاتی از رساله علی میرفتوس داشته باشیم، معتقدیم که چنین تحقیقاتی بسیار ضروری و روشنگر جوانب بسیاری از حیات تاریخی و اجتماعی ماست. بیمین دلیل رفقا و خوانندگان پیام کارگر را به مطالعه این اثر تحقیقی فرامیخوانیم و برای علی میرفتوس در کار و فعالیت های تحقیقاتی اش موفقیت آرزو میکنیم.

● کره جنوبی ۱۴ اوت

دانشگاههای سئول پایتخت کره جنوبی باردیگر صحنه زد و خوردهای خونین بین پلیس ضد شورش و دانشجویان شده است. در این زدوخوردها که با شرکت هزاران دانشجوی معترض صورت گرفته، تعداد زیادی از آنها زخمی شده و تعداد دیگری نیز بازداشت شده‌اند. علت اصلی زدوخوردها این است که دانشجویان کربلای خواهان دیدار با دانشجویان کره شمالی در شهر مرزی "ایبین گال" و گفتگو با آنها در مورد وحدت دو کره و برگزاری مشترک بازیهای المپیک هستند و این خواسته با خودداری دولت کره جنوبی که هرگونه دیدار غیررسمی را بین دو کره رد میکند رویرو شده است. پلیس کره جنوبی همچنین اقدام به بازداشت دانشجویانی که خود را به نزدیکیهای شهر مرزی فوق رسانده بودند، نموده است.

● اردن ۱۲ اوت

۱۲ اوت بدنبال سخنرانی پادشاه اردن که طی آن وی استقلال کامل ساحل غربی رود اردن را از کشور خود اعلام کرد، مذاکراتی بین هیئت نمایندگی سازمان آزادی بخش فلسطین با دولت اردن صورت گرفت. این مذاکرات جنبه مشورتی داشته و از سوی سازمان آزادیبخش به هدف بررسی امکان ایجاد دولت موقت و یا دولت تبعیدی فلسطینی صورت میگیرد. همزمان با این مذاکرات ناآرامیهای سرزمینهای اشغالی ادامه داشته که به کشته شدن ۴ فلسطینی بدست سربازان اسرائیلی منجر شده است. ارتش اسرائیل همچنین اقدام به سدود کردن راههای ورود و خروج به نوار غزه نموده است. از سوی دیگر یکی از مشاوران عرفات در پاریس طی مصاحبه‌ای اعلام نمود که اکنون زمان آن رسیده‌است که اسرائیل و سازمان آزادی بخش یکدیگر را برسمیت شناخته و باهم برای صلح مذاکره کنند. وی در عین

حال ایجاد دولت مستقل فلسطینی را خواسته غیرقابل چشمپوشی سازمان آزادی بخش دانست.

● فیلیپین ۱۲ اوت

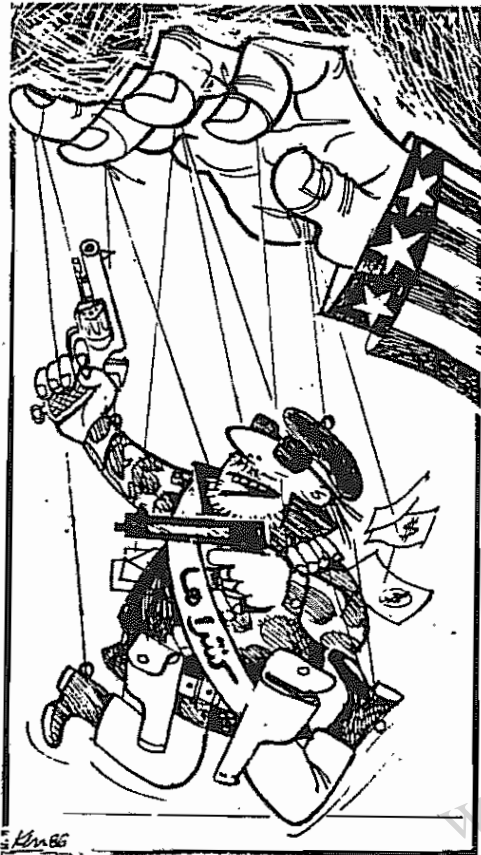
بحران دولت آکینو با انتشار نامه چهارصفحهای معاون وی سالوادور لاورل به وی وارد مرحله تازه‌ای شد. لاورل در نامه خود دولت خانم آکینو را بعنوان ناتوان و فاسد معرفی نموده و خواهان کنارهگیری وی و برگزاری انتخابات جدید شده است. لاورل که چندی پیش بغلت اختلاف با آکینو در مورد نحوه برخورد با حزب کمونیست فیلیپین و ارتش نوین خلق، از سمت وزارت خارجه کناره گرفت، خواستار دولتی سالم و نیرومند که رفقه‌های لازم را انجام داده و نظم و قانون را برقرار کند شده است. وی ناتوانی دولت آکینو در مبارزه با کمونیستها و نیرو گرفتن بیش از پیش آنها و هرج و مرج بی قانونی حاکم بر فیلیپین را در نامه خود برشمرده و راه چاره وضعیت فعلی را که در آن مردم هرچه بیشتر از رژیم آکینو رویرو می‌تواند ایجاد دولت قوی که رفهمند ذکر کرده است.

● مصر ۱۲ - ۱۳ اوت

در محله فقیرنشین عین الشمس قاهره درگیریهای خونینی بین پلیس و افراد وابسته به جهاد اسلامی صورت گرفت که طی آن دو نفر کشته شدند. این درگیریها در آغاز سال هجری اتفاق افتاد که در روز اول آن پلیس در جستجوی دو نفر از افراد جهاد اسلامی به زد و خورد با سایر افراد این گروه و نیز اهالی محله عین الشمس پرداخته و این زد و خوردها بدست دو روزنامه یافتند. ناظران سیاسی در قاهره این کشاکشها را علامت دیگری بر رشد ناآرامیهای اجتماعی در مصر میدانند.

● کاستاریکا ۱۲ اوت

بدنبال افزایش فشارهای ضدانقلابین کنترا بر دهقانان و اهالی غیرنظامی کاستاریکا که در هفتههای گذشته توسط مطبوعات این کشور به گرات گزارش شده است، در یک درگیری بین پلیس کاستاریکا و گروهی از کنترا که میخواستند از مرز عبور کرده و به نیگاراگوشه حمله کنند یکی از افراد کنترا بقتل رسید.



ورزش در حصار فقها

در رژیم فقها همه چیز از دریچه جنگ و برای جنگ به محک می‌نشیند. فقها مرگ(شهادت) را برای همه، البته منهای خودشان به عنوان شهادت داوی شفا بخش جهت تمام دردهای جا معه تبلیغ میکنند و از این زاویه است که هرچه را در این چهار چوب دنیا بند محو و نابود می‌کنند. در این راستا کس ورزش در جمهوری اسلامی سرنوشت عجیب و بغرنجی پیدا کرده‌است. رژیم در ابتدای امر نوبتد تا سپس وزارت ورزش را می‌دادا اینکه برای شوکوفای ورزش بخصوص برای جوانان از اذهیج کوشی دریغ نخواهد کرد. ولی دیری نپایا شید که ورزش نیز در حصار فقها قرار گرفت و کم تر ورزشکاری توانست بسودن آستان نبوسی حضرات به میادین ورزشی راه پیدا کند. در میادین بین المللی فشا را ز این نیسز بیشتر شد. حمل اجباری عکس امام، شعرا ره‌های اسلامی و... بر سوه رتیمی یک نیمچه آخوند را نشاندند تا ورزش را اسلامی کند و در این رابطه ورزش زنان وضع بغرنجتری پیدا کرد تا آنجا که

حتی پاره‌ای از رشته‌های ورزشی حذف شد. نتیجه تمام این انحصارگراییها این شد که دوران رکود ورزش ایران، قهرمان مطلق آسیا و رقیب صاحب نامی در بسیاری از رشته‌ها در سطح جهان، فرار رسید. بسیاری از ورزشکاران جلالی وطن نمودند و آنانکه ماندند در جمیع راددهای اسلامی رژیم اسیرند و از این روست که هر روز خبری تازه از درگیریهای رژیم در این عرصه می‌شنویم. واقعیت این است که ورزش نیز چون جا معا ایران در بحرانی ژرف بسر می‌برد. در پی همین بحرانهاست که در تغییر و تحولات اخیر وزارتخانه‌ها، "سازمان تربیت بدنی" که از کمیسیونهای وابسته به نخست وزیری بود، از آن جدا و بسه کمیسیون آموزش و پرورش مجلس وصل گردید، تا کاری را که آن کمیسیون نتوانسته بود انجام دهد، این یکی بپا ده کند.

ورزش آموزشگاهها در این میان ضربات سنگین تری را متحمل شد. ابتدا معلمین ورزش را از برنا مه دبستانها حذف کردند و با اوج گیری جنگ و گسیل فوج فوج دانش آموزان به جبهه‌ها، ورزش مدارس به مفر رسید تا آنجا که در مسابقات آموزشگاه

های کشور که قرار است طی هفته آینده در یزد آغاز گردد، تهران غایب است. یعنی عملاً یک سوم دانش آموزان ایران در مسابقات آموزشگاههای کشور شرکت ندارند. مسئولین علت را "عدم برگزاری مسابقات داخلی" مطرح می‌کنند. یعنی می‌گویند موفق نشده‌اند در هیچ یک از رشته‌های ورزشی مسابقات داشته باشند. به روایتی دیگر در سطح استان تهران، طی سال گذشته هیچ مسابقه ورزشی بین دانش آموزان برگزار نگردیده‌است. اوج فاجعه زورای همین یک جمله ساده روشن می‌گردد. دانش آموزان در طول سال از ورزش محروم بوده‌اند. آردی درون سرزمینی که همه چیز آن در خدمت جنگ باشد جز این نمی‌توان انتظار داشت. در جمهوری اسلامی، بزرگ مسئولین جنگ بزرگترین ورزش است و لابد کشته شدن، کسب مدال افتخار، فقها ترجیح می‌دهند با هزار نرنگ دانش آموزان را به جبهه‌ها بکشانند تا مدال افتخار "شهادت" را برگردانند. همچنانکه کلیه بهشت را بدستان می‌دهند. در همین رابطه که همزمان با تعطیل دانشگاهها و مدارس نیز کم کم می‌روند تا تعطیل کنند.

افشاگری

صدور اسلحه به ایران

زمانی که مسئله بر سر محدود کردن ——— نظاهرات است، از قیچی باغبانی گرفته تا گالن بنزین بعنوان سلاح بحساب می آید و نوبت به صدور اسلحه می رسد تنها گویا تا ——— "لئوپارد" از طرف دولت آلمان بعنوان اسلحه به شما نمی آید و ممنوع صدور می باشد ولی انواع ——— سلاحهای دیگر بعنوان تجهیزات غیرنظامی ——— مناطق بحرانی و جنگ زده جهان صادر می شوند.

— به نقل از dpa ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۷: "با وجود اینکه دولت آلمان سلاحی صادر نمی کند" و ——— سلاحهای آلمان به مقدار فراوان در جنگها به کار برده می شوند. در این میان پاسداران با افتخار در رژه های در تهران تریلر تانک بری را بنمایش می گذارند که نام رویایی "تیتان" و مارک "ساخت آلمان" بر خود دارد.

در سال ۱۹۸۳ کارخانه "تیتان" در آپن ویر (Appenweier) ۱۸۰ تریلر تانک بری به ایران صادر کرده است. سفارش دهنده و گیرنده: سپاه پاسداران.

تجهیزات این تریلرها اکثرا از کارخانه های آلمانی نظیر (Rotzler, Hella, Zahnradfabrik, Friedrichshafen) و غیره می باشد و به رنگ استتاری ارتش رنگ آمیزی شده اند.

حال اگر کسی تصور کند که مشخصات (رنگ، کاربرد، تجهیزات) برای طبقه بندی این تریلرها بعنوان تجهیزات نظامی کافی می باشد، بطور منطقی حق دارد ولی به یک مسئله توجه نمی ——— شود، اینکه اگر این تجهیزات بعنوان تجهیزات نظامی از طرف ——— اداره اقتصاد

(Bundesamt für Wirtschaft) در Eschborn شناخته شوند، بدان معنی خواهد بود که در کشور آلمان تسلیحات نظامی ——— مناطق بحرانی صادر می کند و آنهم جایی که سیاستمداران آلمانی با کمال میل حاضرند شب و روز قسم بخورند که آلمان هیچگونه سلاحی به ایران و عراق صادر نمی کند.

قوانین ممنوعیت این نوع صادرات به اندازه کافی وجود دارند. در ماده شماره ۷ قانون مربوط به صادرات چنین آمده:

ماده ۷-۱) ——— معاملات خارجی می توانند محدود شوند، در صورتیکه مضر به همزیستی ملیت میسر میان ملل باشند.

اصل (۲) — برطبق بند (۱) می تواند تسلیحات زیربخصوص محدود شوند:

(۱) تجهیزاتی که برای بکار بردن ——— مهمات و وسایل جنگی مورد استفاده قرار گیرند.

(۲) وسایلی که برای انجام عملیات نظامی قابل استفاده می باشند.

بدین ترتیب دولت آلمان برای اینکه مجبور به ممنوع کردن این تسلیحات نباشد آنها را بعنوان وسایل غیرنظامی طبقه بندی می کند. علاوه بر آن در مواقع ضروری این دلیل استناد آورده می شود که:

"برطبق مرزهای حقوقی که مدتهاست از طرف اداره اقتصاد (BAW) نمایندگی می شوند، تنها تجهیزاتی ضرورت اجازت رسمی برای صادرات را دارند که خاص اهداف نظامی طراحی شده باشند. بدین ترتیب مسئله بر سر کار بردن احتمالی از این وسایل برای اهداف جنگی نمی باشد. رنگ و وسایل نقلیه نمی تواند بعنوان مشخصه طراحی بحساب آیند."

(به نقل از دادستانی کل Offenburg به تاریخ ۱۵.۱۰.۸۷)

بطور روشن این بدان معنی است که تا زمانی که با این تریلرهای تانک برجیهای بی بنفیر از تانک حمل می شوند، این وسایل نقلیه بعنوان تجهیزات نظامی بحساب نمی آیند.

جالب توجه است که کارخانه Rotzler، تولید کننده قطعات هیدرولیکی برای تریلرهای فسوق (تریلر تیتان) در یک لیست مرجع این قطعات را بعنوان "قطعاتی برای تریلر تانک بریتانیا" درج کرده است.

دلیل شاهانه دیگری بر مدعای بی طرفی دولت آلمان در جنگ ایران و عراق را می توان به سال ۱۹۸۳ در بندر Neustädter در برمن یاد کرد. در کنفرانس تریلرهای تانک بریتانیا برای ایران، تریلرهای تانک بر ساخت کارخانه Blumhardt برای عراق ایستاده اند.

در مورد این تریلرها نیز اداره اقتصاد (BAW) چون سیستم یاد شده عمل کرده است. این اداره در بررسی های خود بدین نتیجه رسیده است که سطح شیب داری که توسط آن تانک بر روی تریلر سوار می شود را زاویه ۱۸ می باشد در حالی که این زاویه برای تانک برهای ارتش آلمان بطور استناد آورده ۱۴ درجه می باشد.

نتیجه: این تریلرها برای مقاصد نظامی

طراحی نشده اند و در نتیجه نیازی به اجزای جداگانه از طرف ادا ره مزبور نمی باشد!

تریلرهای تانک بریتانیا و Blumhardt فقط بخشی از کل صادرات و وسایل نقلیه و تسلیحات از طرف آلمان فدرال را به کشورهای ایران و عراق شامل می شوند. در کل در بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ وسایل نقلیه ای به ارزش ۶/۳ میلیارد مارک به عراق و بیش از ۶ میلیارد مارک به ایران صادر شده است.

در بین سالهای ۷۰ تا ۸۰ کارخانه های آلمانی با مشکل صادرات روبرو بوده اند ولی با آغاز جنگ ایران و عراق برای مثال کارخانه "تیتان" در سال ۱۹۸۲ به جای ۳۵ میلیون مارک فروش پیش بینی شده، ۸۵ میلیون مارک از طریق فروش تریلرهای تانک بری به ایران دریافت کرده است.

... یکی از رسواییهای بزرگ معاملات

اسلحه مربوط به کارخانه اسلحه سازی فریتز ورنر Fritz Werner Industrieanrüstung-GMBH

در گیزنهایم (Geisenheim) می باشد. کارخانه فریتز ورنر گوا اینکه یکی از متعهد کارخانه نجات ما در کتنده سلاح به ایران و عراق می باشد ولی نکته جالب توجه در مورد این کارخانه آنستکه، سیاستمداران بزرگ آلمانی مستقیماً برای صادرات این کارخانه مسئول هستند چه این کارخانه متعلق به دولت می باشد.

این کارخانه بطور صد در صد به موسسه سیاست صنعت آلمان (Deutsche Industrieanlage GmbH) در برلین متعلق می باشد که تنها سهامدار این یک (DIAG)، بانک صنعت برلین (Berliner Industriebank AG) است. سرمایه این بانک به میزان ۸۸٪ به "موسسه وام برای بازسازی" (Kreditinstitut für Wiederaufbau) در فرانکفورت متعلق است. سیاست تجاری این موسسه پوسل یک هیئت ۲۸ نفری کنترل می شود که رئیس آن وزیر دارایی وقت یعنی آقای اشتولتنبرگ (Stoltenberg) می باشد. اعضای دیگر

این هیئت وزیران مورخارجه، وزیر همکاریهای اقتصادی، وزیر کشاورزی و وزیر اقتصاد و همچنین نخست وزیر استان بایر آقای اشتراوس و یکی از وزرای استان نوردراین وست فالن (Nordrhein-Westfalen) آقای یوخیمسن (Juchimsen) از SPD، رئیس اتحادیه سندیکا های آلمان DGB یعنی آقای "بریست"

میان ملل باشند.

مرک بر جنک! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!

افشای...

(Breit) رئیس اتحادیه کشاورزان آلمان آقای هرمان (Haerman) رئیس بانک مرکزی آقای (Pöhl) میباشند.

در هیئت مدیره بانک صنعت برلین، DIAG و کارخانه فریتزورن علاوه بر افراد مختلفه کارمندان وزارت اقتصاد آلمانی، شرکت دارند. دکتر کلاوس فریکه (Fricke) زوزارت اقتصاد علاوه بر جانشینی ریاست بانک صنعت برلین همزمان ریاست هیئت مدیره DIAG و کارخانه فریتزورن را عهده دار می باشد.

(تمامی این اطلاعات از روزنامه Tagesszeitung مورخ ۲۶/۵/۸۷ استخراج شده است) نتیجه گیری این که این ارتباط تنگاتنگ سیاست و اقتصاد آلمانی بر معاملات کارخانه فریتزورن دارد بهیچوجه مشکل نمی آید.

... ابتدا در زمان حکومت رضا پهلوی کارخانه فریتزورن یکی از مدرکنندگان اساسی سلاح به ایران بود. این کارخانه علاوه بر وسایل مختلف کارخانه ها و اسلحه و مهمات سازی به ایران می فروخت.

در این کارخانه علاوه بر اسلحه های حمل شده از طرف کارخانه Manuhrin (این کارخانه یک کارخانه فرانسوی است که روابط تجاری نزدیکی با کارخانه اسلحه سازی هسن در آلمان دارد و در مورد معاملات اسلحه با ایران دست دارند) از قبیل مسلسل ژ-۳ و MG3، انواع مختلف مهمات برای اسلحه های کمپی، توپ و غیره تولید می شدند. (به نقل از Spiegel ۱۹/۸۷) همزمان با آغاز آزادی میهای انقلابی، کارخانه اسلحه سازی Hassen رژیم شاه را با ۱۵۲۱۶ دست بند و سیصد تا بمب بمباری مجهز نمود که در آمریکا به مبلغ ۳۵۷۰۰۰ مارک خریداری شده و ساخت از پس

بوده اند. در سال ۱۹۸۳ کارخانه فریتزورن تمامی پروژه های خود را در ایران متوقف کرده و کارگران و مهندسان خود را از ایران فراخواند. در این سال میزان سود جاری شده از این کارخانه به کارخانه ما در (DIAG) از ۴۶۸۹۲ میلیون مارک به ۹۳۱۹ مارک تنزل پیدا نمود. (اخذ شده از پارس این کارخانه به سئوالات حزب سبزها در ۸۴/۷)

پس از آغاز جنگ ایران و عراق تمامه های جدیدی بین این کارخانه و دولت ایران بوقوع پیوست که در نتیجه آن مهندسان این کارخانه برای راه اندازی و تمام پروژه های مختلف به ایران سفر کردند.

در سال ۱۹۸۳ قرارداد بی "سازمان دفاع ملی" و کارخانه مذکور بسته شد که بر اساس آن ۳۵۰۰۰ راکت نوع "رش" به ارزش ۵/۶ میلیون مارک به ایران ما در شد. (به نقل از Spiegel ۳۱/۸۷) این راکت ها کپی شده از چیزی را که به خدمت جنگ آید به ایران و عراق صادر می کنند. از اطلاعاتی در مورد دقت هدف گیری تانک های روسی تا مواد لازم برای ساخت مهمات و مواد منفجره. (به نقل از Spiegel ۳۱/۸۷) ... از آنجا که کارخانه فریتزورن متعلق به دولت می باشد، دولت آلمان نهایت تلاش خود را برای پرده پوشی معاملات این کارخانه با ایران می نماید. ... در این میان دولت آلمان سعی به پدید آوردن تصوری در میان مردم دارد که گویا قانون اخذ اجازه صدور، به محدود کردن صادرات سلاح یاری می رسد.

اما آنچه در محاکمه مدیر کارخانه اسلحه سازی Rheinmetall به روشنی نمودار شد، یک رابطه عمیق "قلنی" بین کارخانه ها و اسلحه سازی و اداره اقتصاد (B.A.W) در آشنایی

مشک انداز ۲۱ BM متعلق به ارتش های پیمان ورشومی باشند که شاه با کمک کارخانه اسلحه سازی هسن موفق به کپی برداری از آنها شده بود.

در سال ۱۹۸۵ کارخانه فریتزورن اطلاعات ذی قیمتی در مورد راکت های ۱۲۲ میلی متری به ایران داد. (به نقل از Spiegel ۳۱/۸۷) این اطلاعات تازه دریا فت شده، هاشمی رفسنجانی به اعلام این مطلب تحریک نمود، که کشور مطبوعه او را آیدنده نزدیک امکان ساخت راکت های خوبی را خواهد داشت. در این میان یکی از فوآدها ن سپاه پاسداران اعلام کرد که "سپاه" موفق به کپی مشک ضد هوایی استینگر، ساخت آمریکا، شده است. (به نقل از زود و دوپچه چیشو تگ 12/2/87)

از زمان از سرگیری روابط بین ایران و کارخانه فریتزورن، این کارخانه تقریباً هر (Eschborn) که مسئول دادن اجازه صدور می باشد، وجود دارد بطوریکه رئیس این اداره، دکتر رومر (Rumer) اعلام نمود: "ما دارای هستیم برای اقتصاد، مسئله اساسی برای صادرات است."

در این گیرودار بیدار شرکت های کشتیرانی نیز نام برده که با وجود نداشتن اجازه های قانونی برای حمل سلاح به مناطق جنگی، با تعویض نام کشتی های خود قدام به حمل مهمات برای ایران و عراق می نمایند.

... در ضمن چندین کارخانه آلمانی به ساختن کارخانه های تولید بمب های شیمیایی در سایر عراق نیز تیر می رسد و دستگا های لازم برای این کارخانه ها را نیز تامین و در راه اندازی و نصب آنها نظارت دارند. کارخانه Karl Kolb/Pilot Pluvrt در زمرا این کارخانه تاجات می باشد.

ادامه از صفحه ۵ ابزارهای...

بهر روزی با لیاقت آستین بالا زدند و همیشه مدافع برابری حقوق خلقهای ایران و مخالف شوینیم بودند، هرگونه نزدیک شدن به اصالت در عرصه هنر و فرهنگ ایران و جهان بمعنی حضور نیروی چپ و آلا سازمانگر همومنی چپ بوده است حتی کسانی که اهل کتاب خواندن بودند در نظر مردم عادی "کمونیست" بحساب می آمدند (۱) و یا اشاعه موسیقی اصیل ایران، سینمای واقعی، موسیقی و هنر خلقها، حقوق زن در جامعه و ... همه با خیزش توده ها در سال ۵۶ و بعد از پیمن ۵۷ در زمینه کارآئی شیوه ها و ابزار تبلیغ و سازماندهی تغییرات اساسی بوجود آمد و چپ همچنانکه در تشخیص ضمون سمت و سوی اصلی حرکت خود پادر گل ماند در عرصه اشکال کار هم طبعاً نتوانست یا شاید بهتر است بگوئیم فرصت نکرد در دیدگاههای گذشته خود تجدید نظر کند. سال ۵۷ تا ۶۰ با خوارها کافذ تبدیل شده به اعلامیه مواجه بودیم، در حالی که دیگر مثل سال ۵۶ کسی دنبال اعلامیه نمی دودید و حتی دیوار نویسی و نصب تراکت، بعنوان اشکال اصلی تبلیغ کارآئی گذشته را از دست داده بودند.

منتشر شده است

کاوشگر

نشریه گروهی از دانشگاهیان سابق ایران

در این شماره:

- سرآغاز تاریخچه مبارزات دانشگاهیان ایران
- جامعه و استقلال نظام دانشگاهی
- گزارش گونه ای از تغییر نظام آموزشی دانشگاه تهران - شری از نعمت میرزا زاده
- یادی از ۱۶ آذر
- خاطره ای از تحصن دانشگاهیان
- تقریر رویدادهای دانشگاه

زمستان ۱۳۶۶ شماره ۲

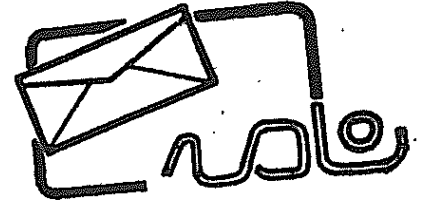
شروع مقاومت

مجموعه

غزلیات عارف

ضمیمه: شیخ در شعر عارفی

بیت و تدوین: حسن امین عارفی



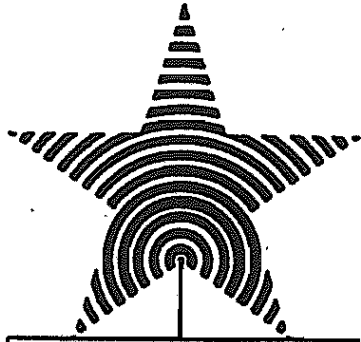
رفیق ب... کراچی

با سلام و تشکر از مقاله ای که برای ما فرستاده...
ایده رفیق عزیز، متأسفانه در پرداخت مقاله T ن
قدردانیات اختتامی را کرده اید که اصل موضوع مبهم
نارسانا مانده است. خواهشمندم توضیح بیشتری درک
کنید تا بتوانیم مقاله شما و دلایل مشخص "حزب کمونیست"
کامله مکتوب است.

رفیق علی
از وقت و نهایت دلسوزی و علاقه شما به
فعالیت‌های دموکراتیک بسیار خوشحالیم و از آن شایسته
می‌گیریم. آدرس‌های از کارتون‌ها و تشکل‌های
دموکراتیک ایران‌ها و نشریاتشان را که در شما ره
های ۱ و ۵ پیام‌ها را که درج شده بدین‌ها را نامه‌های شما
بجدد و آرسی کردیم. ۴ آدرس را که نامه‌ها شما به
آنها برگشت خورده بود یکی بعلمت تغییر آدرس بوده
است. سه مورد دیگر هنوز روشن نشده است. آدرس
جدید کارتون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی
ایران‌ها را هم برگردانید تا در معرفی کارتون‌ها و تشکل‌های
دموکراتیک درج خواهیم کرد.
بدین وسیله از فعالین کارتون‌ها و تشکل‌های
دموکراتیک می‌خواهیم که تغییر آدرس یا هر نوع
تغییر دیگری را به ما اطلاع دهند.

اعدام جنایتکارانه زندانیان سیاسی

اخبار رسیده از زندان‌ها موبد ادامه تشدید فشار
بر زندانیان سیاسی و افزایش اعدام‌ها است. از آغاز
شکست‌های رژیم در جبهه‌های جنگ بر موج اعدام‌ها نیز
افزوده شده است. آخرین گزارشات در این زمینه از
اعدام ۴ تن از اعضای حزب توده و سازمان لکشریت‌ها می‌گویند
زانشان، سعید آذرگ، فرامرز صوفی و سیمین توپان خرمیدهند.
گفته میشود در هفته‌های اخیر نزدیک به ۷۰ تن از
زندانیان سیاسی در سلول‌های انفرادی در انتظار حکم
اعدام بسر می‌برند.
ما اعدام زندانیان سیاسی را قویاً محکوم
می‌کنیم.



صدای کارگر

راستی سازمان کارگران انقلابی ایران در کراچی

★ برنا مه صدای کارگر هر شب
۶ ساعت روی موج کوتاه ردیف
۷۵ متر برابری ۴ مگا هر تری پخش
می‌گردد.

★ این برنا مه ساعت ۹ همان
شب و ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً
پخش می‌گردد.

★ جمعه‌ها برنا مه ویژه پخش
می‌شود.

★ ساعت و طول موج صدای
کارگر را به خاطر بسپارید؛
ساعت پخش و طول موج صدای
کارگر را به هر وسیله ممکن به
اطلاع کارگران و زحماتشان
برسانید و آنان را به شنیدن
صدای کارگر دعوت نمایید!

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1 - BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
- CEDEX 12
FRANCE

منتشر شده است
انقلاب
تورنگ
ارگان سازمان کارگران انقلابی ایران - کراچی
• سوسیالیسم دموکراتیک یا انقلابی روز قیامت
تکلیف پرورش حزب دموکراتیک سوسیالیسم
• مکتب‌اندیشه‌ها با مختلف نسبت به جبهه دموکراتیک ضد امپریالیسم
• جنبش بین‌المللی کارگری و مبارزه برای انقلاب و صلح
• ضرورت‌های حزب در قبال آن
۶ مه ۱۳۶۷

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

لیست کمک‌های مالی

ف - ر ۱۴۰	مارک	س - ۱۰۰
بهراد	" ۲۰۰	ظفر
س - س ۱۷۰	"	شهره
سپیده	" ۱۵۰	حسین